

## Designing the Desired Model of Media Literacy Curriculum in the Elementary School Education System

M. Azizi<sup>1</sup>, K. Fathi Vajargah<sup>\*</sup>, K. Poushaneh<sup>2</sup> & A. Gheranmayehpoor<sup>3</sup>

1. PhD Student of Curriculum Planning, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Central Tehran Branch, University of Islamic Azad, Tehran, Iran.
- \* Corresponding Author: Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. Email: k-fathicc@sbu.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Central Tehran Branch, University of Islamic Azad, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Communication Sciences, Faculty of Communication and Media, Central Tehran Branch, University of Islamic Azad, Tehran, Iran.

### Abstract

**Objective:** The purpose of this study is to explain the desired model of media literacy curriculum in the elementary school education system.

**Materials and Methods:** The approach of the present study is qualitative and it has used the Grounded theory method. The participants of this study are experts and scholars in the field of media and curriculum and 15 of them were interviewed using purposive sampling. The data collection tool was a semi-structured interview and the researcher reached theoretical saturation by this number.

**Discussion and Conclusion:** Strauss and Corbin's method was used to analyze the qualitative data. After open coding and formulation of basic concepts, 27 axial codes were identified which were placed in 6 selective codes. The results of this study show that the most important causal factors include major infrastructure reforms, and designing learning opportunities to acquire relevant skills; contextual factors include social, educational, and cultural factors; intervention factors include research and practical work and the role and preparation of teachers; strategy factors include access to media and development of teachers' capabilities; consequences of media literacy curriculum in elementary school; and consequences of individual and social ones. Accordingly, providing the necessary conditions for formulating and implementing the desired model of media literacy curriculum in the elementary school should be considered.

**Keywords:** Media Literacy Curriculum, Elementary Schools, The Educational System, Grounded Theory.



مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی

مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی

بهار و تابستان ۱۴۰۱

دوره ۱۵، شماره ۱ (پیاپی ۲۸)

صفحات: ۳۳-۵۸

DOI: 10.52547/MPES.15.1.33

ISSN: 2423-5261

E-ISSN: 2538-6344

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۸ بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۹/۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۹/۱۰ چاپ مقاله: ۱۴۰۱/۱/۱

## طراحی الگوی برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی نظام آموزش و پرورش

مریم عزیزی<sup>۱</sup>، کورش فتحی واجارگاه<sup>۲</sup>، کامبیز پوشنه<sup>۳</sup> و علی گرانمایه پور<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری برنامه درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران  
\* نویسنده مسئول: استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران  
athicc@sbu.ac.ir
۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۳. استادیار گروه ارتباطات و رسانه، دانشکده ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

**هدف:** هدف پژوهش حاضر، تبیین الگوی برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی نظام آموزش و پرورش است.

**مواد و روش‌ها:** رویکرد حاکم بر پژوهش حاضر، کیفی و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد انجام شده است. شرکت‌کنندگان در این پژوهش، متخصصان و صاحب‌نظران حوزه رسانه و برنامه درسی هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، با ۱۵ نفر از آنان مصاحبه انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختارمند بود که با این تعداد محقق به اشباع نظری رسید.

**بحث و نتیجه‌گیری:** برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از روش استراوس و کوربن استفاده شده است. پس از کدگذاری باز و تدوین مفاهیم اولیه، ۲۶ کد محوری شناسایی شد که در ۶ کد انتخابی قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل علی شامل اصلاحات اساسی زیرساخت‌ها، طراحی فرصت‌های یادگیری برای کسب مهارت‌های مربوط؛ عوامل زمینه‌ای شامل عوامل اجتماعی، آموزشی و فرهنگی؛ عوامل مداخله‌ای در برگزیده‌ی پژوهش و کار عملی و نقش و آمادگی معلمان؛ راهبرد شامل؛ دسترسی به رسانه‌ها و توسعه قابلیت‌های معلمان؛ پیامدهای برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی؛ پیامدهای فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. بر این اساس، فراهم کردن شرایط لازم برای تدوین و اجرای الگوی برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی باید مورد توجه قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** برنامه درسی، سواد رسانه‌ای، دوره ابتدایی، نظام آموزش و پرورش، نظریه داده بنیاد.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

## مقدمه

توسعه همه جانبه افراد جامعه همواره در اولویت نظام‌های آموزشی بوده است. یکی از مهم‌ترین راه‌های دستیابی به این هدف ترویج اندیشیدن و اندیشه‌ورزی در مدارس و مراکز آموزشی با بهره‌گیری از آموزش سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان است. اکثر صاحب‌نظران، رسانه سواد رسانه‌ای را دسترسی به انواع رسانه‌ها، گسترش مهارت‌های تحلیل انتقادی پیام‌ها، ترغیب برای تولید، خلاقیت و تعامل در حوزه‌های مختلف ارتباطات رسانه‌ای و گسترش ارزیابی انتقادی پیام‌ها، با هدف تقویت توانایی‌های مستقل افراد و کاربران فعال می‌دانند. بیانیه یونسکو نیز در زمینه آموزش و پرورش، بر فهم انتقادی محیط رسانه‌ای که ما را فراگرفته در جهت افزایش اصول شهروندی و مشارکت اجتماعی تأکید می‌کند. چرا که ضمن ضروری دانستن برخی مهارت‌ها، بالا بودن سطح سواد یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه به‌شمار می‌آید و اکثر کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه جهان برای گسترش این نوع از سواد در میان شهروندان خود تلاش‌های درخور توجهی را چه در سیاست‌گذاری کلان و چه در برنامه‌ریزی و اجرا انجام داده‌اند.

در این میان یکی از چالش‌های نظام آموزش و پرورش در ایران، دریافت انفعالی اطلاعات توسط دانش‌آموزان و یا به تعبیری انباشتی بودن است که نتیجه آن منجر به سطحی بودن آموخته‌ها و نهایت اینکه تعمق و تفکر در شیوه‌های یاددهی و یادگیری بسیار اندک است. از این رو نظام آموزشی کشور باید مطابق مقتضیات زمانی با بهره‌گیری از شیوه‌های جدید آموزشی که مبتنی بر اصول و نظریات یادگیری شناختی فراشناختی و ساخت‌گرایی است، به سرعت گام بردارد. در این بین کودکان و نوجوانان ضمن آشنایی با نحوه استفاده از رسانه‌ها با عملکرد آن‌ها آشنا می‌شوند و از یک مصرف‌کننده صرف به مخاطبی فعال و گزینش‌گر تبدیل می‌شوند. با این اوصاف در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با مهم خواندن نقش تربیتی رسانه‌ها، از تعامل اثربخش با مراکز فرهنگی و اجتماعی و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها نام برده شده و جایگاه و نقش نهاد رسانه، فناوری‌های ارتباطی و بهره‌گیری هوشمندانه از آن و مواجهه فعال و آگاهانه برای پیشگیری و کنترل آثار و پیامدهای نامطلوب آن مورد توجه قرار گرفته است.

برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که روند تغییر و تحولات مبتنی بر همگرایی تکنولوژیک و رسانه نمود یک انقلاب آموزشی را در آموزش و پرورش بسیاری از کشورهای پیشرفته نمایان ساخته است. به‌گونه‌ای که نقش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی ضمن تبدیل شدن به پیش‌نیازی ضروری برای بهره‌برداری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و دسترسی عادلانه به اطلاعات و دانش، به‌ویژه در توانمندسازی افراد، حیاتی و اساسی دیده شود. این روند تحول در فناوری‌ها هم‌چنین اکثر نظام‌های آموزشی کشورها را با این سوال مهم مواجه ساخته است که چگونه می‌توانند فناوری‌های نوین را با فرآیند یادگیری و تدریس به‌صورت یکپارچه در بیاورند، تا به کمیّت و کیفیت آن کمک کند (پریچارد، ۲۰۰۷، ص. ۷۶). از طرفی یکی از مهم‌ترین مزایای دستیابی افراد جامعه به‌ویژه دانش‌آموزان مدارس در دوره‌های مختلف آموزشی به سواد رسانه‌ای، تقویت و توسعه مهارت‌های ارتباطی آنان است. دانش‌آموزان با توسعه سواد رسانه‌ای می‌توانند مهارت‌های ارتباطی را در خود تقویت کرده و با اطرافیان خود در محیط مدارس، تعامل سازنده‌ای برقرار کنند که یکی از اصلی‌ترین نیازهای ضروری رویکرد غالب یادگیری در عصر حاضر است (فریل بروس و لاکنر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). علاوه بر آن، دانش‌آموزان می‌توانند با توسعه این مهارت‌ها، توانایی تشخیص انواع محتوای آموزشی را کسب کنند و محتوای مناسب برای یادگیری را در فرآیند خودآموزی انتخاب کنند (بروس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱).

شاید امروزه مطمئن‌ترین کار برای توسعه دانش و سواد رسانه‌ای، تدوین برنامه‌های درسی سواد رسانه‌ای در دوره‌های مختلف نظام آموزشی است. زیرا بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، توسعه سواد رسانه‌ای را در عصر اطلاعاتی جدید ضروری می‌دانند و آن را برای توسعه اقتصادی و اجتماعی پیش‌نیاز اصلی معرفی

می‌کنند. به همین دلیل برخی از آن‌ها توجه به زیرساخت‌ها را جهت توسعه مهارت‌ها و سواد رسانه‌ای، در اولویت خود قرار داده‌اند (هیل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). بنابراین استفاده از فناوری اطلاعات (فاوا) و قابلیت‌های رسانه‌ای به‌عنوان ابزاری برای عملیاتی کردن برنامه‌های درسی تلفیقی است. لذا برای اجرای این رویکرد بایستی، اهداف، محتوا و شیوه‌های اجرایی برنامه‌های درسی با هم تناسب داشته باشند (فتحی و اجارگاه، ۲۰۰۹). کشورهای ژاپن و کانادا به‌عنوان پیشرو در برنامه درسی سواد رسانه‌ای تلاش‌های ارزنده‌ای را در گنجاندن این مهم در داخل برنامه درسی در مدارس خود با رویکرد توسعه و تحول توانایی مدیریت اطلاعات، توسعه توانایی خواندن و درک انتقادی اطلاعات، به‌منظور به کارگیری رسانه و برقراری ارتباط با آن و افزایش خلاقیت فرد، طراحی نموده و در راستای ارتقای مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات برای دانش‌آموزان اجرا کرده و یا در حال اجرای آن هستند. همچنان که در ژاپن سواد رسانه‌ای در حکم یک ماده درسی در میان مواد درسی دوره‌های تحصیلی راهنمایی تا مقطع دیپلم به رسمیت شناخته شده و حتی برای بزرگسال‌ها و مقاطع تحصیلی بالاتر نیز تدریس می‌شود و کشور کانادا نیز به‌عنوان یکی از موفق‌ترین الگوهای آموزش سواد رسانه‌ای در جهان با تشکیل «انجمن آگاهی رسانه‌ای» انجمن‌های متعدد و فراوان آموزش سواد رسانه‌ای، اقدامات مؤثری در این زمینه انجام داده است (شبییری، ۱۳۹۲، ص. ۸۹).

به هر روی برنامه درسی و آموزش سواد رسانه‌ای دارای امتیازاتی برای مخاطبان به‌ویژه در راهبردهای توانمندسازی دانش‌آموزان در کلاس درس دارد که به آن‌ها مزیت‌هایی می‌بخشد تا بتوانند فرد مؤثری در جامعه رسانه‌ای خود باشند، و از این رو باید بتوانند: ۱. تفاوت بین اشکال مختلف رسانه را شناسایی و با آگاهی و شناخت کافی از انواع رسانه‌ها بهره‌مند شوند؛ ۲. استفاده‌کنندگانی متفکر در برخورد با رسانه‌ها باشند؛ ۳. مدیریت اطلاعات داشته باشند و براساس نیازهای اطلاعاتی به سراغ رسانه‌ها بروند، و تسلیم ابزارهای چند رسانه‌ای قدرتمند فرهنگ رسانه‌ای جهانی نشوند؛ ۴. درباره آنچه که می‌خوانند، می‌بینند و می‌شنوند سؤالات اساسی بپرسند و در نهایت ۵. برخورد منتقدانه با محتوای رسانه‌ها داشته باشند (شکرخواه، ۱۳۸۵، صص. ۱۷-۳۲). علاوه بر آن، یکی از مهم‌ترین آثار و نتایج توسعه سواد رسانه‌ای در بین دانش‌آموزان، دسترسی به سطوح بالاتر تفکر انتقادی است. در واقع سواد رسانه‌ای یک مهارت تفکر انتقادی است که بر منابع بسیاری از اطلاعات اعمال می‌شود و افرادی که از این سواد برخوردارند، این منابع را نقادانه بررسی می‌کنند. این مهارت تفکر انتقادی افراد را قادر می‌سازد تا پیام‌هایی که در رسانه‌ها منتقل می‌شوند، به‌طور کامل شناسایی کنند (استاناگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). بنابراین در دنیای ارتباطی و به شدت رقابتی امروز، سواد رسانه‌ای یکی از نیازهای اصلی هر انسان به‌ویژه دانش‌آموزان و جامعه است و افراد در سنین پایین‌تر می‌توانند با یادگیری مهارت‌های مربوط به رسانه و ارتباط، آن‌ها را در محیط زندگی بزرگسالی به کار بگیرند و به صورت تلفیقی در موضوعات مختلف اثرات آن‌ها را تجربه کنند. به عبارتی دقیق‌تر، دانش‌آموزان با یادگیری مهارت‌های مربوط به سواد رسانه‌ای در سنین پایین‌تر، دانش و اطلاعات خود را در سنین بزرگسالی توسعه می‌دهند (لوینگ استون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴).

البته ارتقای سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان نیازمند سیستم آموزشی منسجم است و به اعتقاد صاحب‌نظران بهترین زمان برای پایه‌گذاری مهارت‌های تفکری و آموزش سواد رسانه‌ای، دوران پیش از مدرسه و دبستان است؛ چرا که ذهن افراد کاملاً براساس قراردادهای اجتماعی بسته نشده و کودکان مخاطبان خاص رسانه هستند. چرا که تأثیرپذیری کودکان و نوجوانان از محصولات رسانه‌ای به ساختار ناکامل شخصیت آن‌ها، میزان نوسان‌پذیری این ساختار، رفتار، نگرش، نحوه برقراری ارتباط و تعامل با خانواده، گروه همسالان، همکلاسی‌ها، نوع و جذابیت رسانه، زمان، مکان، دفعات مواجهه با محصولات رسانه‌ای، ساختار ظاهری و محتوایی این محصولات و عوامل بسیار دیگری وابسته است. به عبارتی رسانه در جامعه‌پذیر کردن نوجوانان

1. Hale

2. Stanage

3. Livingstone

نقش بسزایی دارد. (دلاور، خانیکی و شاه حسینی، ۱۳۹۴). در واقع آموزش در دوره ابتدایی، پایه و اساس همه آموزش‌هاست زیرا که زمینه وظایف و نقش‌های همکارانه و مشارکتی، وجود منابع و پاسخگویی به فراگیران در دوره ابتدایی فراهم می‌شود (یاو و چینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳).

در کشور ایران نیز در سال‌های اخیر، آموزش و پرورش پس از تدوین «سند تحول بنیادین» و «سند برنامه‌درسی ملی» (۱۳۹۰) توجه خود را معطوف به آموزش سواد رسانه‌ای کرده است. طبق چشم‌انداز آینده جمهوری اسلامی ایران برای دو دهه آینده، ایران برنامه‌ریزی کرده که جامعه‌ای مبتنی بر دانش باشد و سواد فناوری اطلاعات و ارتباطات و سواد رسانه‌ای را افزایش خواهد داد و این کار از طریق برنامه‌ریزی دقیق به‌ویژه در سطح آموزش و پرورش و آموزش عالی امکان‌پذیر است (فتحی واجارگاه، ۲۰۱۰).

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز با مهم خواندن نقش تربیتی رسانه‌ها، از تعامل اثر بخش با مراکز فرهنگی و اجتماعی و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها نام برده است. در این سند، جایگاه و نقش نهاد رسانه، فناوری‌های ارتباطی و بهره‌گیری هوشمندانه از آن و مواجهه فعال و آگاهانه برای پیشگیری و کنترل آثار و پیامدهای نا‌آن موارد مورد توجه قرار گرفته است (سند تحول ۱۳۹۰، ص. ۱۰). همچنین که در اسناد مربوط به برنامه‌درسی هم، از سواد رسانه‌ای نام برده شده و به زمینه‌سازی برای مدیریت بهینه و ترویج و تعمیق سواد رسانه‌ای تأکید شده است. به‌علاوه این سند به انطباق برنامه‌های درسی با نیازها و علائق دانش‌آموزان، در چارچوب ساختار برنامه‌درسی در سه بخش الزامی، انتخابی و اختیاری تأکید دارد (سند تحول ۱۳۹۰، ص. ۳۶). البته برنامه‌درسی سواد رسانه‌ای چه به صورت اجباری و چه در بخش تجویزی و اختیاری نیز پاسخی به نیازهای گوناگون و امکان‌یادگیری همیشگی با توجه به نقش رسانه‌هاست و تحلیل و ارزیابی رسانه‌ای می‌تواند در همین راستا، ارزیابی شود.

لذا به نظر می‌رسد برخورداری نسل جوان کشور از قبیل دانش‌آموزان و دانشجویان به‌ویژه کودکان از مهارت‌های مربوط به رسانه در عصر امروزی که توسعه فناوری و رسانه از ویژگی‌های اصلی آن است، یکی از مسایل مهم به‌شمار می‌رود که نهاد آموزش و پرورش باید ضمن پرورش علمی دانش‌آموزان، با برنامه‌ریزی دقیق، برنامه‌درسی آموزش سواد رسانه‌ای کودکان را مورد توجه قرار دهد تا شناخت عمیقی از آنچه در فضای مجازی می‌گذرد پیدا نموده و قدرت تجزیه و تحلیل همراه با دید انتقادی به دست آورند که توجه به آموزش مهارت‌های رسانه‌ای در این جهت اهمیت زیادی دارد و باید این آموزش‌ها به صورت نظام‌مند و در قالب برنامه‌درسی سواد رسانه‌ای به‌ویژه از دوره ابتدایی مورد توجه قرار بگیرد. لذا ارائه الگوی برنامه‌درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی نظام آموزش و پرورش به‌منظور پر کردن این خلاء امری ضروری به نظر می‌رسد. براین اساس پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که الگوی برنامه‌درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی نظام آموزش و پرورش چه ویژگی‌هایی دارد.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

از ابتدای قرن ۲۱ و با ظهور و توسعه فناوری‌های رسانه‌ای، بازتولید محتوای رسانه‌ای و به اشتراک‌گذاری آن تولید رسانه‌ای را امکان‌پذیر کرد. تمرکز سواد رسانه‌ای جدید بر تولید جمعی و نوآورانه محتوای رسانه‌ای به جای انتقال ایستای محتوا، تعامل اجتماعی و مشارکت فعال است. در این زمینه چن و وو و وانگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) مدلی نظری را براساس تحلیل تحولات تاریخی سواد و ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی رسانه‌های جدید ارائه کردند. سواد رسانه‌ای جدید دارای دو پیوستار است: ۱- از مصرف تا تولید-مصرف سواد رسانه‌ای ۲- از سواد رسانه‌ای کارکردی تا انتقادی. مصرف سواد رسانه‌ای به پیام‌های رسانه‌ای و به خدمت گرفتن رسانه‌ها در سطوح مختلف اشاره می‌کند در صورتی که تولید-مصرف سواد رسانه‌ای به قابلیت تولید محتوای رسانه‌ای و مشارکت در محیط‌های رسانه‌ای اشاره می‌کند.

یونسکو در بیانیه رسمی خود به مناسبت «دهه سواد سازمان ملل متحد (۲۰۰۳-۲۰۱۲)» بیان می‌کند دیگر نمی‌توان سواد را جدا از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و نهادی در نظر گرفت. برای آموزش سواد رسانه‌ای، آموزش و پرورش از کلیدی‌ترین بسترهاست. در همین راستا طبق اسناد بالادستی از جمله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، کسب مرجعیت علمی، ارتقا و به کارگیری دانش و مهارت‌های بومی در قالب فناوری‌های نوین، خردورزی، مسئولیت‌پذیری، انضباط اجتماعی، مدارا و همزیستی با هم‌نوعان مورد تأکید قرار گرفته است. از همین رو آموزش و پرورش با شناخت روح زمانه و نیازهای نشأت گرفته از آن می‌تواند پاسخگوی تقاضای مبتنی بر شرایط جدید باشد و خود را با آن منطبق کند بنابراین انجام اصلاحات اساسی در آموزش و پرورش بنا به تجربه سایر کشورها به‌عنوان زیربنای توسعه در کشور ضرورت دارد. نظام آموزش و پرورش می‌تواند با ایجاد و تقویت مهارت‌های رسانه‌ای در عصر رسانه‌ای شدن زندگی و تسلط دانش‌آموزان در غالب برنامه درسی ضمن دستیابی سریع‌تر و کامل‌تر به اهداف، آن‌ها را به استفاده مؤثر و مفید از مهارت‌های ارتباطی سوق دهد. با توجه به اهدافی که آموزش رسانه در نظام‌های آموزشی در نظر دارد، تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. از جمله اینکه سواد رسانه عبارت است از توانایی ارزیابی انتقادی و توسعه محتوایی که از اشکال جدید رسانه‌ای استفاده می‌کند و برای برقراری ارتباط متقاعدکننده از آن بهره می‌گیرند (دیویس، فیدلر و گوریس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). هم‌چنین در تعریف دیگری، سواد رسانه‌ای را به تحلیل انتقادی اخبار، تبلیغات و مطالبات مختلف رسانه‌های جمعی مرتبط دانسته‌اند. بر این اساس سواد رسانه‌ای با توانایی استفاده از رایانه، رسانه‌های اجتماعی و اینترنت ارتباط دارد (هابز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲).

به‌طور کلی افراد جامعه برای اینکه آگاهی رسانه‌ای کسب کنند، از طریق پیام‌های رسانه‌ای به دیدگاه انتقادی برسند و در نهایت سواد رسانه‌ای به دست آورند، باید مواردی از این قبیل را مدنظر قرار دهند که بتوانند آگاهانه و در جهت منافع خود از رسانه‌ها استفاده کنند، منابع معتبر را شناسایی و حتی منابع جایگزین آن‌ها را بشناسند و پیام‌های رسانه‌ای در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... گردآوری و تفسیر کنند (آفاکان و ازبک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹). بنابراین هدف آموزش رسانه غالباً توسعه توانایی‌های انتقادی دانش‌آموزان بیان شده است. آموزش رسانه اساساً با نوع آگاهی انتقادی در ارتباط است. این ادعا وجود دارد که فرایند تحلیل انتقادی آموزش رسانه، به دانش‌آموزان این توانایی را می‌دهد که خود را از دست ارزش‌ها و طرز تفکری که رسانه قصد تحمیل آن‌ها را دارد رهایی بخشد. به گفته لن مسترمن معیار و محک هر برنامه آموزش رسانه، میزان مواجهه انتقادی دانش‌آموزان در استفاده و فهم شخص خودشان از رسانه است که بدون حضور معلم کسب می‌کنند. بنابراین نخستین هدف، هوشیاری و فهم انتقادی ساده نیست، بلکه توانایی انتقادی اتکاء بر خود، بدون کمک دیگران است (باکینگهام، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۱). علاوه بر آن، متخصصان روانشناسی معتقد هستند که با توجه به اینکه در شرایط زندگی امروزی، دوری از فضای مجازی و کار با رسانه‌ها برای نسل جوان و کودکان اجتناب‌ناپذیر است، لذا مهارت‌های اساسی برای فعالیت در حوزه رسانه و متناسب با اهداف آموزشی آن‌ها و در قالب برنامه‌های درسی برای آن‌ها آموزش داده شود تا آن‌ها بتوانند ضمن مدیریت فعالیت‌های خود در این حوزه، از مزایای آن بهره‌مند شوند و مهارت‌های لازم جهت موفقیت در زندگی بزرگسالی را کسب کنند (کارنی و لوین<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰).

ظهور فناوری‌های دیجیتال فرصت‌ها و چالش‌های مهم نوینی را در پیش روی آموزگاران آموزش رسانه نمایان ساخته است. از یک طرف، این فناوری‌ها مجموعه‌ای نو از فرایندها برای مطالعه و تحقیق فراهم می‌کنند و باعث در دسترس‌تر شدن جنبه‌های مختلفی از تولید رسانه‌ای می‌شوند. اما در طرف دیگر، اغلب با جلوه‌ای از ابزار انگاری آموزشی پدیدار می‌شوند که تلوینا فناوری را فایده‌ای خنثی و بی‌تفاوت در نظر

1. Davies, Fidler & Gorbis

2. Hobbs

3. Afacan & Ozbek

4. Kearney & Levine

دارد. معلمان آموزش رسانه همان‌گونه که بر ظرفیت فناوری دیجیتال سرمایه‌گذاری می‌کنند لازم است که بر پرسش‌ها و اصولی بنیادین پافشاری کنند (باکینگهام، ۱۳۸۹، ص. ۳۰۱). از سوی دیگر جهت‌گیری‌های برنامه درسی ابزاری برای تفکر درباره برنامه درسی هستند. لذا برنامه درسی را می‌توان به‌عنوان ابزاری برای توسعه سواد رسانه‌ای در بین افراد جامعه در نظر گرفت. این بعد ناظر به بررسی جهت‌گیری‌ها و برداشت‌های کلان نسبت به برنامه درسی است. بعد برنامه‌ریزی درسی درباره آنچه که باید تدریس شود، چگونگی تدریس و روش‌های تدریس و همچنین طراحی و انتخاب فرصت‌های یادگیری و سرانجام بحث سازماندهی فرصت‌های یادگیری است. علاوه بر آن، مدیریت مدرسه نیز باید با این تحولات همسو و هماهنگ باشد و مدیران به‌عنوان رهبران آموزشی در مدارس، شرایط لازم را جهت استفاده از ظرفیت‌های این حوزه تدارک ببینند (شهرابی فراهانی، ۱۳۹۹).

کونلی و لانتز<sup>۱</sup> چهار بعد معرفتی یا موضوع برای برنامه درسی قائلند که عبارت‌اند از: ساخت برنامه درسی<sup>۲</sup>، مدیریت برنامه درسی<sup>۳</sup>، مطالعه برنامه درسی<sup>۴</sup> و ماهیت برنامه درسی<sup>۵</sup>. ساخت برنامه درسی اشاره به تدوین برنامه درسی یا برنامه‌ریزی درسی<sup>۶</sup> دارد. مدیریت برنامه درسی اشاره به مباحث مدیریتی و اجرایی برنامه درسی دارد. مطالعه برنامه درسی در حقیقت به قواعد و شیوه‌های تحقیق در برنامه درسی و ماهیت برنامه درسی به مباحثی چون موضوعات درسی<sup>۷</sup>، محتوا و دیسپلین‌ها می‌پردازد (کونلی و لانتز، ۱۹۹۱، ص. ۱۶). فتحی و اجارگاه، برنامه درسی را مشتمل بر هفت قلمرو: مبانی برنامه‌ریزی درسی، مهندسی برنامه درسی (طراحی، ساخت و تدوین برنامه درسی)، اجرای برنامه درسی، تغییر برنامه درسی، ارزیابی برنامه درسی، تاریخ برنامه درسی و تحقیق در برنامه درسی طبقه‌بندی می‌کند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۵، ص. ۳۲). هم‌چنین جان مک نیل (۲۰۰۶) ابعاد و حدود و ثغور حوزه برنامه درسی را در چهار قسمت تعریف می‌کند: جهت‌گیری‌های برنامه درسی، برنامه‌ریزی درسی، مدیریت برنامه درسی و پژوهش برنامه درسی.

بر این اساس، یکی از نیازهای اساسی در نظام‌های آموزشی، تدوین برنامه درسی آموزش سواد رسانه‌ای است که تاکنون در زمینه تدوین الگوی آن در نظام آموزشی، پژوهشی انجام نشده است اما از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام شده است می‌توان به چند نمونه اشاره کرد. در پژوهشی که با عنوان «تأثیر سواد رسانه‌ای بر یادگیری کودکان از فیلم‌ها و رسانه‌ها» توسط دیگرگارتن، مکهل<sup>۸</sup>، نیدینگ و اولر (۲۰۱۷) و با استفاده از روش‌های کمی انجام شد به این نتیجه رسیدند که سواد رسانه‌ای پیش‌بینی‌کننده قابل توجهی در یادگیری رسانه‌ها حتی در کنترل سایر عوامل مرتبط مانند هوش بوده است. جولس<sup>۹</sup> (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با عنوان «چگونه آموزش سواد رسانه‌ای، آموزش و یادگیری را اصلاح می‌کند؟» با بهره‌گیری از رویکرد پژوهش کیفی، به این نتیجه رسید که با توجه به پیشروی و روند آموزش سنتی به سمت برنامه درسی تکنولوژی محور، مربیان نیاز به روش‌ها و منابع آموزشی و برنامه درسی نوین دارند تا پیامدهای کارآمد را ارائه دهد و با آموزش سواد رسانه‌ای، این جهش امکان‌پذیر می‌شود و به امری ضروری برای تهیه و تدوین برنامه درسی در کلاس درس جهانی تبدیل می‌شود. رامزی<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان «گذراندن دوره عمومی ارتباطات و سواد رسانه‌ای در برنامه درسی دانشگاه» به این نتیجه رسید که گذراندن مطالعات ارتباطات، سواد رسانه‌ای و پیام‌رسانی رسانه‌ها نقش برجسته‌ای در یادگیری دانشجویان دارد. آلیس<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «آموزش رسانه در دوران مدرسه: آموزش رسانه‌ای از طریق

1. Connelly & Lantz

2. curriculum making

3. curriculum managing

4. study of the curriculum

5. nature of the curriculum

6. curriculum development

7. subject matters

8. Diergarten & Mockel

9. Jolls

10. Ramsey

11. Alice

لپ‌تاپ و آی‌پد» که با استفاده از روش‌های کیفی انجام گرفته، نشان داد: دانش‌آموزان از طریق رسانه‌های جدید به شدت انگیزه می‌گیرند و علاقه زیادی به برنامه درسی سواد رسانه‌ای دارند. روش‌های جدید نه تنها سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد، بلکه مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاقیت، ارتباط و همکاری را نیز تقویت می‌کند. استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی جدید برای تدریس آموزش رسانه‌ای مؤثر است، زیرا برنامه درسی جدید می‌تواند «معنی» و «ارتباط» برای دانش‌آموزان نسل نت ایجاد کند.

ملیسا بروکمن<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) نیز پژوهشی با عنوان «سواد رسانه‌ای در عمل: جستجوی آموزش و بکارگیری ساختارهای سواد رسانه‌ای در فعالیتهای کلاسی روزانه» انجام داده است. نتایج این تحقیق که با بهره‌گیری از رویکردهای کیفی و کمی انجام گرفته است، نشان‌دهنده این بود که ساختارهای سواد رسانه‌ای در تمامی مباحث کلاسی، پروژه‌های تحقیقاتی، نوشته‌های روزنامه‌ای و سخنرانی‌ها آشکار است. دانش سواد رسانه‌ای به‌طور مکرر هم در متون آموزشی و هم در مهارت‌های سواد رسانه‌ای دیده شده است. ایوانوویچ<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان «توسعه سواد رسانه‌ای-به‌عنوان یک جنبه مهم آموزش مدرن» به این نتیجه رسیدند که سواد رسانه‌ای به خوبی یاد گرفته شده می‌تواند به پذیرش بسیاری از ارزش‌های اجتماعی کمک کند. ویلسون<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی تحت عنوان «رسانه و سواد اطلاعاتی: آموزش و پرورش و امکانات» به این نتیجه رسید که رهبران دوره آموزشی باید برای آموزش، پشتیبانی و مشاوره، ارتقا شبکه‌های معلمین که برنامه آموزش رسانه‌ای را اجرا می‌کنند، شامل مقالات رسمی برنامه‌های درسی آموزشی، تجزیه و تحلیل نیازهای دانش‌آموزان قبل از اعمال مدل‌های برنامه درسی، تسهیل منابع برای معلمان، حرفه‌ای‌سازی معلمان، همکاری میان اعضای جامعه (خانواده، معلمان، دانش‌آموزان و سایر ذینفعان) برای شناسایی بهترین شیوه‌ها و روند جدید باید توسعه یابد. سرافین<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با عنوان «نحوه پردازش پیام‌های رسانه‌ای در زمینه مرتبط با تبلیغات بین دانش‌آموزان شرکت‌کننده در دوره آموزش سواد رسانه‌ای و دانش‌آموزان شرکت‌نکرده» نشان داد که دانش‌آموزان گروه آزمایش نسبت به مصرف تبلیغاتی خود و آگاهی از تکنیک‌های بکار رفته، معنایی و توجه آگاهانه نسبت به رسانه‌ها به‌طور معناداری در سطح بالاتری از گروه کنترل قرار داشتند. هم‌چنین توریس و ماریا (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «نیاز به سواد رسانه‌ای انتقادی در برنامه درسی آموزش معلم» به ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای انتقادی در برنامه درسی دانش‌آموزان و به همین ترتیب در برنامه درسی آموزشی معلم تأکید شده است.

اجاق (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان: معرفی شاخص‌های محتوای آموزش سواد رسانه‌ای در دبستان»؛ با رویکرد کودک‌محور و با استفاده از مدل‌های سازنده‌گرایی آموزش سواد رسانه‌ای مورد تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل ثانویه مبتنی بر اسناد، ویژگی‌های روش و محتوای مناسب برای آموزش سواد رسانه‌ای را مشخص نموده و به این نتیجه رسیده است که شیوه آموزش باید از حالت یک سویه به چندسویه و از تک‌گویی به گفتگویی تغییر کند. محتوای آموزشی باید در دو سطح نظری و عملی به کودکان آموزش داده شود و سه شاخص اصلی برای انتخاب محتوای مناسب نظری و عملی یادگیری مفهوم بازنمایی، خودکارآمدی و بازاندیشی هستند.

در پژوهشی که توسط شریفی و کرمی (۱۳۹۷) با عنوان «بررسی ابعاد آموزش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور» که با روش تحلیل تم و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه سواد رسانه‌ای صورت گرفته است به این نتیجه رسیدند ابعاد سواد رسانه‌ای شامل روش‌های آموزش، سطوح آموزش، تفکیک رسانه‌ها، تعیین جامعه هدف و محتوای آموزش می‌باشند. در این پژوهش جامعه هدف معلمان و مربیان سازمان آموزش و پرورش هستند که تعیین این ابعاد نقش مهمی در ارتقای سطح سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی جامعه هدف دارد و آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین و فراگیرترین نهاد

1. Melissa Broeckeman

2. Ivanovic

3. Wilson

4. Serafin



آکادمیک می‌تواند با مشارکت دیگر نهادها در راستای ارتقای این سطح سواد مؤثر واقع شود. نتایج تحقیقات داخلی نشان‌دهنده این است که دانش‌آموزان در کنار مهارت‌های فنی و دسترسی به رسانه‌ها باید به استفاده بخردانه و منطقی دست یابند تا پویا و فعالانه در جهان رسانه‌ای شده امروز، برای بهتر زیستن، آماده شوند. مهارت سواد رسانه‌ای، توانایی لازم و ضروری برای حیات تأثیرگذار در دنیای کنونی است. حال که به تدریج چهره مدارس و کلاس‌های درس با هوشمندسازی، همگرایی رسانه‌ها و تحولات فناورانه و ارتباطی در حال دگرگون شدن است. اینترنت و دیگر فناوری‌های نوین آموزشی، در کنار معلم نقش مهمی ایفا می‌کنند. ورود آموزش‌های سواد رسانه‌ای به مدارس کشور بیش از پیش از مقطع ابتدایی متناسب با آن دو ضروری است. در کنار این آموزش در قالب برنامه درسی الگوی بومی آموزش سواد رسانه‌ای به نوجوانان در ایران، دو نهاد آموزش و پرورش و صدا و سیما، نقش بسزایی در آموزش سواد رسانه‌ای دارند. همچنان که دانش‌آموزان، شناخت واقعی و کامل‌تری از مهارت‌های خود در استفاده از رسانه‌ها به دست بیاورند.

به عبارتی، نتایج نشان می‌دهد، دغدغه‌ها و نگاه به محتوا، ضرورت‌ها و اهداف سواد رسانه‌ای در کشورهای مختلف تا حدود زیادی مشابه است و برنامه‌ریزان آموزشی تلاش می‌کنند هویت فرهنگی خود را در استفاده از رسانه‌های مختلف، حفظ کنند. هر چند در بررسی محدودیت‌های اجرای آموزش سواد رسانه‌ای در کشور، به رسمیت نشناخته شدن آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس، مهم‌ترین محدودیت ورود آموزش‌ها به مدارس مطرح شده است.

### روش‌شناسی پژوهش

رویکرد حاکم بر پژوهش حاضر، کیفی بوده و با توجه به ماهیت موضوع، از روش نظریه داده بنیاد استفاده شده است. نظریه‌های مبتنی بر فلسفه تفسیرگرایی که نظریه داده بنیاد نیز در همین پارادایم قرار گرفته، به جای نشان دادن روابط علت و معلولی یک پدیده، از ویژگی سیال بودن برخوردار است و به جای استدلال‌های خطی و ثابت، الگوهای موجود در پدیده را به نمایش می‌گذارد (چارماز، ۲۰۱۰). در پژوهش حاضر از بین نسخ مختلف نظریه داده بنیاد، نسخه نظام‌مند به کار گرفته شده است تا با شناسایی عناصر و ابعاد مختلف برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی از دیدگاه صاحب‌نظران، الگوی برای آن شناسایی و تدوین شود. در این راستا به ارائه مفاهیم شناسایی شده پرداخته شد و سپس اجزای مدل فرآیندی، شامل شرایط علی، پدیده محوری، راهبردها، زمینه، شرایط مداخله‌گر و پیامدها، به تفکیک و براساس مقوله‌های زیرمجموعه خود مطرح و در نهایت طبق کدگذاری انتخابی به هم پیوند داده شدند. در ادامه، محقق تلاش می‌کند تا با توصیف و تحلیل‌های خود، بر فرایند معنادهی داده‌ها و نتایج حاصل بیافزاید و به پرسش اصلی پژوهش پاسخ دهد.

شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، متخصصان و صاحب‌نظران حوزه رسانه و برنامه درسی هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند با ۱۵ نفر از آنان مصاحبه انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختارمند بود که به‌منظور گردآوری داده‌های کیفی جهت شناسایی مؤلفه‌ها، ابعاد و شاخص‌های برنامه درسی سواد رسانه‌ای استفاده می‌شود. گردآوری داده‌ها تا زمانی که محقق به اشباع نظری دست یابد، ادامه می‌یابد که در این پژوهش، محقق با ۱۵ نفر به اشباع نظری رسید.

یکی از چالش‌های پژوهشگران کیفی، اطمینان از صحت و درستی داده‌هاست. در این پژوهش، برای اطمینان از روایی پژوهش و اطمینان از صحت داده‌ها، اقدامات زیر انجام گرفته است:

بازبینی و اصلاحات لازم توسط ۴ نفر از مصاحبه‌شوندگان: ۴ نفر از افراد مصاحبه‌شونده و صاحب‌نظر، مراحل کدگذاری را بررسی و مقوله و کدهای محوری را به همراه مفاهیم اولیه بررسی کرده و نظرات خود را ارائه دادند. محقق نیز اصلاحات لازم را براساس همین نظرات در تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام داده است.

**جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان**

کد مصاحبه‌شونده	رتبه استادی	حوزه فعالیت
M 1	استادیار دانشگاه	متخصص برنامه درسی
M 2	استادیار	متخصص برنامه درسی
M 3	استادیار	متخصص و مدرس سواد رسانه‌ای
M 4	دانشیار	متخصص برنامه درسی
M 5	استادیار	متخصص و مدرس سواد رسانه‌ای
M 6	استادیار	متخصص و مدرس سواد رسانه‌ای
M 7	استاد تمام	متخصص و مدرس سواد رسانه‌ای
M 8	دانشیار	متخصص و مدرس سواد رسانه‌ای
M 9	استادیار	متخصص و مدرس سواد رسانه‌ای
M 10	استادیار	متخصص و مدرس سواد رسانه‌ای
M 11	دانشیار	متخصص و مدرس سواد رسانه‌ای
M 12	دانشیار	متخصص و مدرس سواد رسانه‌ای
M 13	استادیار	متخصص و مدرس سواد رسانه‌ای
M 14	استادیار	متخصص برنامه درسی
M 15	دانشیار	متخصص و مدرس سواد رسانه‌ای

**یافته‌های پژوهش**

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، هدف این پژوهش ارائه الگوی برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی نظام آموزش و پرورش است. برای این هدف، اولین مرحله در تجزیه داده‌های کیفی، کدگذاری اولیه و یا تشکیل مفاهیم اولیه است. کدهای حاصل از این مرحله، پس از بررسی و مقایسه‌های مکرر در ۲۶ کد محوری و ۶ کد انتخابی در قالب مدل پارادایم جای گرفتند. در نمودار زیر نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و داده‌های کیفی در سه مرحله کدگذاری (کدهای باز، محوری و انتخابی) و روند تقلیل داده‌ها ارائه شده است.

**جدول ۲. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی**

کد باز	کد محوری	کد انتخابی	منبع	تعداد ارجاعات
گسترش ارتباطات مجازی			M 11, M 2, M 12, M 6	۵
اصلاح نظام آموزشی سنتی	اصلاح اساسی	روابط علی	M 7	۳
توسعه مشارکت اجتماعی و سیاسی	زیرساخت‌ها		M 1, M 7, M 8, M 2, M 13, M 6, M 4, M 9	۸
توسعه پویایی فرهنگی			M 1	۲

۱۰	M 11, M 2, M 15, M 12		آشنایی فرصت‌های فضای مجازی
۱	M 11		توانایی پردازش پیام‌های رسانه‌ای
۲	M 11	طراحی فرصت‌های یادگیری برای کسب مهارت‌های مربوط	هوشیارسازی درون سازمانی
۲	M 11		توسعه مهارت‌های ارتباطی و کلامی
۳	M 2		آشنایی فرصت‌های فضای مجازی
۳	M 1, M 15		آموزش نحوه استفاده منطقی از رسانه‌ها
۳	M 2		شناسایی چالش‌ها و مخاطرات فضای مجازی و آگاه‌سازی
۴	M 8, M 5	ارتقای سواد رسانه‌ای در دست‌اندرکاران	شناخت ویژگی‌های پیام‌های رسانه‌ای
۲	M 2		برگزاری دوره‌های آموزشی سواد رسانه‌ای مربیان
۴	M 13		توانمندسازی اعضا در استفاده از فناوری اطلاعات
۲	M 4, M 11	گسترش ارتباطات برون‌سازمانی	ارتباطات اعضای مراکز علمی در خارج از فضای علمی با یکدیگر
۲	M2	فرهنگ‌سازی گسترش سواد رسانه‌ای	گسترش مهارت‌های رسانه در بین کودکان
۳	M 11, M 4, M 10		تعدیل نفوذ رسانه‌های دولتی
۳	M 5, M 15		حمایت سیاسی دولتمردان
۲	M 1, M 8	عوامل اجتماعی	حمایت دولت از رسانه‌های خصوصی
۳	M 8, M 5	عوامل زمینه‌ای	عدم برخورد سلبی با رسانه‌های منتقد
۳	M 1, M 15, M 7		آموزش برخورد با چالش‌های اخلاقی در فضای مجازی
۲	M 3, M 15	عوامل خانوادگی	کمبود برنامه‌های جهت آگاه‌سازی خانواده‌ها
۳	M 14, M 3, M 15		برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی به خانواده‌ها
۲	M 11, M 9, M 8, M 12	عوامل آموزشی	استفاده از متخصصان علوم ارتباطات

۱	M 10, M 7		تجهیز محیط آموزشی به تجهیزات رایانه‌ای
۱	M 9		ایجاد محیط مناسب آموزشی و اتصال محیط به شبکه اینترنت
۴	M 14, M 2, M 15, M 13		سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
۲	M 1, M 2		آشنایی با مفهوم بازنمایی و تفکر نقادانه
۳	M 3, M 6	عوامل فرهنگی	حمایت خانواده از برنامه‌های سواد رسانه‌ای
۲	M 3		نظرخواهی و مشارکت خانواده‌ها در امر برنامه‌ریزی
۵	M 1, M 13, M 7, M 4, M 9		استفاده از فناوری‌های نوین در برنامه درسی
۴	M 1, M 3, M 5, M 12		تخصیص فضا و امکانات آموزشی در کشور
۴	M 13, M 2, M 12, M 1	عوامل ساختاری	استفاده از دانش تخصصی اساتید و منابع جدید سواد رسانه‌ای
۴	M 14, M 9, M 10, M 12		استفاده از نرم‌افزار و مواد آموزشی جدید
۳	M 1, M 3, M 15		استفاده معلمان از تکنولوژی‌های نوین
۳	M 1, M 2, M 7		استفاده معلمان از اینترنت در تدریس
۴	M 1, M 3, M 5, M 12	بازتعریف نقش معلم	آشنایی با اصول، قواعد و زبان رسانه‌های مختلف
۲	M 1, M 8		نقش تسهیل‌گری معلم
۳	M 1, M 15, M 14		نقش هدایتگری
۲	M 1, M 3		کنترل‌کنندگی معلم
۲	M 13, M 5		توانایی سازگاری برنامه با سازمان‌ها و محیط پیرامونی
۲	M 14	توسعه مدیریت اثربخش	آموزش مهارت برخورد ارتباط در دنیای مجازی
۲	M 3, M 15		درک ضرورت مخاطب‌شناسی
۳	M 1, M 2, M 7		مدیریت زمان و برنامه‌ریزی

۳	M 1, M 2, M 7		هدایت پروژه‌های پژوهشی به سمت برنامه‌ریزی سواد رسانه‌ای
۳	M 3, M 5, M 15,	پژوهش و کار عملی	ایجاد فرصت‌های مطالعاتی، ترجمه آثار جدید و بهره‌برداری بهینه
۱	M 15		بازدید از مراکز رسانه‌ای
۲	M 8, M 7		استفاده مناسب از فناوری نوین ارتباطی، مدیریت جستجوهای اینترنتی و منابع کتابخانه‌ای
۲	M 6, M 4	عوامل مداخله‌ای (محیطی)	شناخت پایگاه‌های اینترنتی؛ بخش‌ها، امکانات و ویژگی‌ها
۳	M 11, M 4, M 10	شناخت و دانش	شناسایی محتوای سالم و ناسالم رسانه‌ای در ابعاد مختلف
۴	M 1, M 3, M 5, M 12		آشنایی با اصول، قواعد و زبان رسانه‌های مختلف
۲	M 1, M 8		تسهیل‌گری معلم
۳	M 1, M 15, M 7		فراهم کردن شرایط
۲	M 3, M 15	نقش و آمادگی معلمان	یاری‌دهنده به دانش‌آموز
۱	M 13		کنترل‌کنندگی معلم
۳	M 1, M 15, M 14		هدایتگری
۲	M 4, M 1		شناسایی پیچیدگی موجود در پیام‌ها
۲	M 5, M 12	شایستگی‌ها و اهداف برنامه درسی	داشتن آگاهی کامل در خصوص استفاده از رسانه‌های آموزشی
۳	M 11, M 10, M 12,	سواد رسانه‌ای	نگاه نقادانه نسبت به محتوای رسانه‌ها
۳	M 1, M 6,	پدیده	داشتن صلاحیت در خواندن محتوای رسانه
۲	M 9, M 3		هوشیاری در خواندن و مواجهه با پیام‌ها
۲	M 4, M 9	محتوای برنامه درسی	تحلیل اهداف و سیاست محتوای رسانه
۲	M 9, M 3	سواد رسانه‌ای	انتخاب محتوای مناسب با ارتقای سواد رسانه‌ای

۲	M 4, M 9		به کارگیری شیوه‌های تلفیقی آموزش
۲	M 9, M 3	اجرای برنامه درسی سواد رسانه‌ای	استفاده مداوم از فناوری‌های آموزشی
۱	M 12		بازنمایی هنجارهای موجود
۱	M 9		درک هنجارهای منعکس شده از جامعه
۱	M 12		افزایش توان داوری و قضاوت
۱	M 9		افزایش قوه درک، جهت رفتار درست در جامعه رسانه‌ای
۲	M 1, M 6	خروجی برنامه درسی سواد رسانه‌ای	تقویت دیدگاه انتقادی دانش‌آموزان
۲	M 9, M 3		درک پیام یکسان از وسایل مختلف
۱	M 12		فراهم کردن شرایط دسترسی به رسانه
۴	M 1, M 6, M 4, M 9	دسترسی به رسانه‌ها	سهولت استفاده از رسانه
۲	M 1, M 8		عدالت در دسترسی به رسانه
۲	M 4, M 1		معرفی تحولات جهانی
۵	M 1, M 2, M 3, M 5, M 12	تدوین محتوای مناسب	استفاده از مصادیق صنعت در محتوا
۳	M 11, M 10, M 12	راهنما	توجه به جریان‌های ارزشی در محتوا سواد رسانه‌ای
۲	M 9, M 3		توانمند شدن معلمان
۱	M 9	توسعه قابلیت‌های معلمان	توانایی تحلیل رسانه‌ها
۱	M 12		طراحی طرح درس مبتنی بر رسانه
۴	M 1, M 6, M 4, M 9		آگاهی نسبت به روش‌های تدریس مناسب
۱	M 11	توسعه حرفه‌ای معلمان	شرکت در دوره‌های آموزشی
	M 9		استفاده از فناوری‌های جدید برای تدریس
۱	M 12	به کارگیری روش‌های تدریس مناسب	نگاه مسئله‌محور به مسائل
۱	M 12		پرورش تفکر مسئله‌محور

۴	M 13, M 14, M 6		تناسب محتوای آموزش سواد رسانه‌ای با شرایط بومی پرورش تفکر انتقادی استفاده از ابزار کمک آموزشی متناسب با حوزه رسانه
۲	M 9, M 3		استفاده از ابزار کمک آموزشی متناسب با حوزه رسانه
۱	M 12		فن‌های آموزش سواد رسانه‌ای
۲	M 4, M 9		یادگیری مشارکتی
۳	M 1, M 2, M 3		دوری از اغراق‌گویی درباره رسانه
۲	M 1, M 8	گسترش ارتباطات مجازی	اعتماد به فضای مجازی
۲	M 4, M 1		نگاه منصفانه به فضای مجازی
۳	M 11, M 6, M 6		جدی گرفتن سواد رسانه‌ای
۲	M 4, M 1		ادامه تحصیل در حوزه رسانه
۲	M 1, M 8		مطالعه و پژوهش در حوزه رسانه
۲	M 8, M 15		انگیزه پیشرفت
۲	M 3, M 15	پیامدهای فردی	به روز بودن
۲	M 8	پیامد	نگاه نقادانه
۱	M 2		متفاوت نگاه کردن به مسائل
۱	M 12		احساس مسئولیت
۲	M 8		نقدپذیر بودن
۲	M 11		انتقال فرهنگ
۴	M 1, M 6, M 4, M 9		صیانت از ارزش‌ها
۱	M 11		بازنمایی فرهنگ جامعه
۳	M 11, M 10, M 12,	پیامدهای اجتماعی	دسترسی سریع به اطلاعات
۲	M 9, M 3		ارتقا آگاهی جامعه
۱	M 9		آموزش پیروی از اصول و موازین صحیح اجتماعی
۵	M 13, M 14, M 11, M 6, M 6		<b>شفافیت در کسب اطلاعات</b>

#### ۱. شرایط علی

شرایط علی عبارت است از عواملی که به‌طور مستقیم بر پدیده اصلی (برنامه درسی سواد رسانه‌ای) تأثیر دارد. از جمله مهم‌ترین شرایط علی تأثیرگذار بر ایجاد برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی عبارت‌اند از: اصلاحات اساسی زیرساخت‌ها، «طراحی فرصت‌های یادگیری برای کسب مهارت‌های مربوط،

ارتقای سواد رسانه‌ای دست‌اندرکاران و گسترش ارتباطات برون‌سازمانی که در ادامه برخی از مهم‌ترین آن‌ها تشریح می‌شوند:

۱-۱. اصلاحات اساسی زیرساخت‌ها (گسترش ارتباطات مجازی، توسعه مشارکت اجتماعی و سیاسی، توسعه پویایی فرهنگی)

مصاحبه‌شوندگان اصلاح زیرساخت‌ها و ایجاد فضای لازم برای این کار را عاملی بسیار مهم می‌دانند. به طوری که مصاحبه‌شونده ۱۱ در این زمینه این چنین اظهار می‌کند: «پس ما برای اینکه بتوانیم دانش‌آموزان را در این زمینه توانمند کنیم، لازم است که به این فضاها و امکانات توجه بیشتری بکنیم و برنامه‌ریزی بکنیم که دانش‌آموزان مان نسبت به چگونگی استفاده از این فضا توانمند بشوند».

مصاحبه‌شونده ۲ در مورد شرایط علی این چنین اظهار می‌کند «بیشتر همان هدفش می‌تواند آگاه‌سازی و توانمندسازی دانش‌آموزان به نحوه استفاده از این فضا شود و چگونگی کاربرد اطلاعات این فضا در حل مسائل و مشکلات روزمره زندگی‌شان می‌تواند باشد. حالا این می‌تواند در بُعد علمی باشد، در بُعد مهارت‌های زندگی باشد، در بُعد آموزش‌های تخصصی مورد نیاز با توجه به استعداد دانش‌آموزان مورد استفاده قرار بگیرد».

شاید یکی از عواملی که کمک می‌کند تا زیرساخت‌های لازم برای توسعه سواد و مهارت‌های رسانه‌ای پیشرفت کند، گسترش فرهنگ به کارگیری و یادگیری ابزارهای مربوط به رسانه‌ها است. صاحب‌نظر شماره ۱ به مقوله مفهوم‌سازی اشاره می‌کند و معتقد است که در تدوین الگوهای برنامه درسی سواد رسانه‌ای و اجرای آن باید به این مقوله توجه کرد. وی اظهار می‌کند: «اگر احساس کنند نوع فرهنگ سازمانی که وجود دارد ناکارآمد هست ممکن است به صورت رفتارهای تدافعی که کمتر به سمت اهداف مدرسه و جامعه میره حرکت می‌کنه و قطعاً در برنامه درسی سواد رسانه‌ای معلم هم اثرگذار خواهد بود».

۱-۲. طراحی فرصت‌های یادگیری برای کسب مهارت‌های مربوط (آشنایی فرصت‌های فضای مجازی، توانایی پردازش پیام‌های رسانه‌ای، هوشیارسازی درون سازمانی، توسعه مهارت‌های ارتباطی و کلامی، آموزش نحوه استفاده منطقی از رسانه‌ها)

مصاحبه‌شونده ۱۵ در زمینه شرایط علی و طراحی فرصت‌های یادگیری در این زمینه می‌گوید: «من می‌خواهم حتی بگویم که کتابی که ما نوشتیم؛ کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای و به‌عنوان کتاب درسی وارد مدارس شد برای پایه دهم و یازدهم، حالا گروه تیم هر قسمت از آموزش و پرورش انگار که مثلاً ساز خودشان را می‌زنند. در تیم تألیف کتب درسی این مجاهدت را کرد و این کتاب را آماده کرد».

مصاحبه‌شونده ۲ نیز در این زمینه می‌گوید: «آن چیزی که اهمیت دارند توجیه مدیران است بیش از هر کس دیگری. من مدیرانی را می‌شناسم که کتاب تفکر سواد رسانه‌ای دو سال است، امسال سومین سال است که وارد مدارس شده. من الان دست کم ده سال هست که دارم در مدارس سواد رسانه‌ای را تدریس می‌کنم. مدیران از من می‌خواهند، می‌گویند شما بیا مثلاً یک زمانی باز می‌کنند به شکل غیررسمی، یک ترم برای بچه‌های ما مثلاً یک آموزش سواد رسانه‌ای داشته باش».

مصاحبه‌شونده ۱۱ در زمینه شرایط علی، این مسأله را چنین تبیین می‌کند: «ببینید وقتی یک درسی تألیف می‌شود، مسلماً هدفش، هدف‌گذاری که صورت می‌گیرد، هدف اصلی که برای یک درس مشخص شده یعنی سواد رسانه‌ای بالا بردن آگاهی دانش‌آموزان در مواجهه با رسانه‌هاست. چگونگی رژیم مصرف رسانه‌ای‌تان را در نظر بگیرید؟ چگونه هر چیزی را باور نکنید؟ الزاماً هر محتوای رسانه‌ای که ساخته می‌شود، آن قرار نیست به نفع شما باشد. و اینکه به اندازه مصرف بکنید. حالا شناخت ماهیت رسانه‌ها باز در این زمینه. در واقع همان بحث آگاهی‌رسانی راجع به رسانه‌ها، ماهیت‌شان و محتوای رسانه‌ای که به بچه‌ها داده می‌شود و رشد تفکر انتقادی در آن‌ها».



## ۲. شرایط زمینه‌ای

عوامل زمینه‌ای به مجموعه‌ای از مقوله‌ها و مفاهیم گفته می‌شود که بر کنش‌های موضوع یا پدیده اثر می‌گذارند. عوامل زمینه‌ای همان‌طور که از عنوان آن پیداست، شرایط لازم برای وقوع و شکل‌گیری پدیده یا موضوع را فراهم می‌کند. در این پژوهش، با توجه به دیدگاه صاحب‌نظران، مهم‌ترین عوامل زمینه‌ای برنامه درسی سواد رسانه‌ای عبارت‌اند از: عوامل اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی، ساختاری، آموزشی، بازتعریف نقش معلم، توسعه مدیریت اثربخش. در ادامه‌ی این بخش، برخی از مهم‌ترین اظهارات مصاحبه‌شوندگان در مورد عوامل زمینه‌ای ارائه می‌شود:

۱-۲. عوامل اجتماعی (حمایت سیاسی دولت‌مردان، عدم برخورد سلبی با رسانه‌های منتقد و تعدیل نفوذ رسانه‌های دولتی)

از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ای برای الگوی برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی، عوامل اجتماعی است. حمایت سیاسی دولت‌مردان و سیاست‌مداران و جلوگیری از نفوذ رسانه‌های دولتی از مهم‌ترین این عوامل اجتماعی هستند. مصاحبه‌شونده ۴ این مسأله را تبیین کرده است و این چنین اظهار می‌کند: «اگر ما در این زمینه آنچنان کردیم که دیگر کشورها کردند، اما به نتیجه نرسیدیم، باید بدانیم حرف‌مان که غلط نیست، حوادث‌ها یک ضرورت است ما به نتیجه نرسیدیم، پس روش‌مان غلط است. حرف‌مان درست است.» بر این اساس، عدم توجه در برنامه‌های کلان‌کوشی از اهداف این نوع برنامه‌های درسی و حتی عدم توجه به آن، باعث محدود بودن آن در نظام آموزشی کشور بوده است. لذا برای تدوین الگوی برای این برنامه درسی و اجرای موفق‌تر آن، در وهله‌ی اول نظام سیاسی باید در ابعاد مختلف از آن حمایت کند.

## ۲-۲. عوامل فرهنگی

شرایط فرهنگی و عوامل وابسته به آن در فرایند یادگیری سواد رسانه به‌ویژه در دوره ابتدایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به عبارتی، آشنا کردن کودکان با ابزارهای رسانه‌ای و فضا و محیط آن‌ها در سنین پایین ارزشمند است. مصاحبه‌شونده‌ها به فرهنگ این نوع مهارت‌ها پرداخته‌اند. یکی از آن‌ها (مصاحبه‌شونده ۶) در این زمینه می‌گوید: «ما یکی از مؤثرترین کارهایی که کمک می‌کند برای هدایت بچه‌ها در مسیر درست در استفاده از رسانه‌ها، هدایت‌شان به این مسیر هست که تولید محتوای رسانه‌ای درست داشته باشند. یعنی یادشان می‌دهیم که چگونه به جای اینکه صرفاً مصرف‌کننده رسانه‌ای باشند، در نقش تولیدکننده رسانه قرار بگیرند. آن وقت بیاییم محتوایی که دوست دارند با ابزارهایی که دوست دارند. همین تولید محتوای رسانه از خودش زمان می‌گیرد.»

همین مصاحبه‌شونده در این مورد می‌افزاید: «اگر قرار باشد بچه بیاید چند ساعت پرسه بزند در فضای اینستاگرام و با محتواهای نامناسب و انواع محتواهایی که اتفاقی هستند روبه‌رو بشود، یک بخش زیادشان می‌خواهد اختصاص بدهد به تولید محتوا برای صفحه اینستاگرامش. بعد وقتی این را به نمایش گذاشت اینکه چقدر این حالا لایک می‌خورد، ما مثلاً حتی می‌گوییم که پارسال یک بحثی داشتیم به نام سلبریتی‌سازی. بروید آدم‌هایی را پیدا کنید که این‌ها لیاقت سلبریتی شدن را دارند. لیاقت شناخته شدن توسط جامعه و دنبال رو پیدا کردن دارند. آدم‌هایی پیدا کنید، کلیپ بسازید حالا یادشان دادیم از ابزارها چگونه استفاده کنند، حالا بیایید با هم این‌ها را در فضای مجازی پخش کنیم. پس ذهن آن بخشی از نیاز بچه برای استفاده از رسانه‌ها و پرسه زدن در فضای رسانه‌ها را ما از آن طریق داریم.»

## ۲-۳. عوامل آموزشی

تجهیز محیط آموزشی به تجهیزات رایانه‌ای، ایجاد محیط مناسب آموزشی و اتصال محیط به شبکه اینترنت و استفاده از متخصصان علوم ارتباطات از مهم‌ترین عناصر مربوط به عوامل آموزشی در الگوی برنامه درسی سواد رسانه‌ای است. مصاحبه‌شوندگان بر این عوامل تأکید کرده و معتقد هستند که ایجاد محیط مناسب آموزشی در اجرای این نوع از برنامه درسی، نخستین الزام است. صاحب‌نظر شماره ۹ در این زمینه گفته

است: «نخستین اقدام در اجرای برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی، ایجاد محیط مناسب آموزشی است. در اینجا منظور ما از محیط آموزشی مناسب یعنی محیط مناسب با اهداف برنامه درسی است. یعنی چه چیزی را باید به کودکان آموزش بدهیم و این موارد آموزشی را در چه نوع محیطی ارائه بدهیم. در واقع اینجا باید ویژگی‌های محیط مناسب برای این نوع یادگیری‌ها را طراحی کنیم».

۴-۲. عوامل ساختاری

از جمله عوامل مهم در شرایط زمینه‌ای برنامه درسی سواد رسانه‌ای، عوامل ساختاری است. برای طراحی الگوی مناسب برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی، توجه به زیرساخت‌ها و شرایط بنیادین اهمیت دارد. مصاحبه‌شونده ۵ در این زمینه اظهار می‌کند که «من عقیده‌ام این است که اولاً کسانی که تبلیغ‌کننده این برنامه بودند خیلی تسلط به موضوع نداشتند. ثانیاً الزامات این نوع سواد را ندیدند و فراهم نکردند و ثالثاً با توجه به گذشت زمان نیازمند اینکه اسناد بالادستی‌مون حتماً بازنگری بشود. چون این چیزی که امروز ما از سواد رسانه‌ای می‌بینیم و می‌فهمیم، مطمئناً از آن چیزی که آن‌ها در چند سال گذشته، دریافتند، متفاوت هست با آن چیزی که در سال‌های آینده از این سواد حاصل می‌شود و جلوه‌گر می‌شود به مراتب بیشتر از آن چیزی است که ما الان می‌فهمیم».

مصاحبه‌شونده ۱۴ نیز، عوامل ساختاری را این چنین تبیین می‌کند: «بحث این است که اساساً برنامه درسی وقتی در کشور طراحی می‌شود، اجرای آن یک تمهیداتی می‌خواهد، یک زیرساخت‌هایی می‌خواهد، یک شرایطی می‌خواهد. و آن شرایط به نظر من نه تنها برای بحث سواد رسانه‌ای، باید برای کل برنامه درسی ملی فراهم کرد».

هم‌چنین مصاحبه‌شونده ۱۰ در این زمینه معتقد است: «وقتی زیرساخت ما وجود ندارد، چطوری ما کار در مدرسه انجام بدهیم؟ وقتی ما برنامه درسی متناسب با آن تولید نکردیم، چگونه می‌توانیم این کار را انجام بدهیم؟ لذا حتماً باید آن فرهنگش را هنوز نداریم، یکی از بحث‌های که ما داریم، بحث فرهنگ‌سازی است».

### ۳. شرایط مداخله‌ای

شرایط مداخله‌گر، متغیرهایی هستند که بر کنش‌ها و تعاملات اثر می‌گذارند و مداخله سایر عوامل را محدود و یا تسهیل می‌کنند. در این پژوهش، با توجه به دیدگاه صاحب‌نظران، مهم‌ترین عوامل مداخله‌گر برنامه درسی سواد رسانه‌ای عبارت‌اند از: پژوهش و کار عملی، شناخت و دانش و نقش و آمادگی معلمان. که با استفاده از دیدگاه مصاحبه‌شونده‌ها تبیین می‌شوند.

#### ۱-۳. پژوهش و کار عملی

توسعه پژوهش در زمینه سواد رسانه‌ای از جمله موارد مورد تأکید صاحب‌نظران بوده و معتقد هستند که این مسأله به گسترش زیرساخت‌های مربوط به سواد رسانه‌ای منجر می‌شود. مصاحبه‌شونده‌ها در این زمینه به «هدایت پروژه‌های پژوهشی به سمت برنامه‌ریزی سواد رسانه‌ای»، «ایجاد فرصت‌های مطالعاتی، ترجمه آثار جدید و بهره‌برداری بهینه»، «استفاده مناسب از فناوری نوین ارتباطی» اشاره می‌کنند و این عناصر را در توسعه سواد رسانه‌ای مؤثر می‌دانند. مصاحبه‌شونده ۷ در این زمینه می‌گوید: «گسترش پژوهش‌ها در این زمینه بسیار مؤثر است. اگر بتوانیم بسیاری از پژوهش‌های رشته‌های مربوط را در دانشگاه‌ها به سمت این موضوع سوق بدهیم، قطعاً به رشد سواد رسانه‌ای کمک می‌کنیم. از طرفی معلمان و مربیان را نیز ترغیب کنیم تا از طریق مشارکت در انواع پژوهش‌های این حوزه و حتی مطالعات نتایج پژوهش‌های دیگران، خود را توسعه دهند».

«ترجمه آثار جدید و بهره‌برداری بهینه» از مفاهیم دیگری است که مورد تأکید صاحب‌نظران قرار گرفته است. مصاحبه‌شونده‌ها معتقد هستند که استفاده از یافته‌های کشورهای دیگر در این زمینه می‌تواند کمک بیشتری داشته باشد. یکی از این صاحب‌نظران (شماره ۸) در این زمینه اظهار می‌کند: «ترجمه آثار

کشورهای دیگر که به زبان‌های خارجی تدوین شده است، نقش مهمی در توسعه این مسأله دارد. ما باید پژوهشگران را تشویق کنیم تا منابع جدید خارجی را ترجمه کنند».

#### ۲-۳. نقش و آمادگی معلمان

صاحب‌نظران در بین عوامل مداخله‌گر، نقش معلم را بسیار تأثیرگذار می‌دانند و معتقد هستند که معلمان در الگوی برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی نقش کلیدی دارند. صاحب‌نظر ۱۳ این مسأله را این چنین بازگو می‌کند: «معلم خیلی مهم است. معلم اگر وارد باشد می‌داند که چگونه باید بحث را کنترل و هدایت بکند. خودش اصلاً یک فکری را در سر بچه بیاندازد. تشویقش کند به استفاده از چیزهایی که می‌خواهد مثلاً مضرات چیزی را بگوید، یا جوری با جاذبه تعریف کند که بچه کنجکاو شود برود و ببیند. الآن معلم کافی نداریم برای بحث سواد رسانه‌ای و اینکه بحث سواد رسانه‌ای مان صرفاً این نیست که شما بروید یک سری مباحثی را بگویید و بیایی. مثل ریاضی یا فیزیک یا آموزش راندگی. شما در آموزش راندگی وقتی یک سری مسایل را می‌گویید، خب طرف می‌شنود و فکر می‌کند یاد گرفته، اما تا خودش پشت فرمون نشیند، نمی‌توانید بگویید که این را یاد گرفته. معلم‌ها اول باید خودشان راننده باشند تا بتوانند شیوه‌های راندگی کردن را به دانش‌آموزان‌شان یاد بدهند. پس ما اول باید دلیل کافی، معلم کافی تربیت بکنیم برای سواد رسانه‌ای».

مصاحبه‌شونده ۱۴ نیز این چنین اظهار می‌کند: «در واقع همان نحوه تدریسش، نحوه آموزشش، و اینکه خودش آشنا باشد، خودش به آن چیزی که می‌گوید، اعتقاد داشته باشد. ما معلم را به معنای خلق‌کننده به معنای عامش را در نظر بگیریم. معلم قرار است یک دانش‌آموز، یک فرد مفید اجتماعی خلق بکند، مثلاً کارگردان سینما قرار است یک فیلم سینمایی مؤثر تولید کند، من خبرنگار قرار است یک خبر تأثیرگذار تولید بکنم، به‌طور کلی هر خلق‌کننده‌ای اگر خودش معتقد نباشد، خودش اعتقاد به آن چیزی که می‌گوید نداشته باشد، قطعاً مؤثر نمی‌افتد. یعنی شما معلم را نباید منفک از سیستم و سازوکار آموزش و پرورش بکنید. معلمی که خیلی از دغدغه‌های اقتصادی‌اش تأمین نشده، قطعاً آن چنان که باید و شاید نمی‌تواند در آن حوزه‌هایی که حساس هست، نیازمند وقت‌گذاری بیش از اندازه هست، نیازمند کار است، خارج از محدوده زمانی مدرسه است طرف باید برود، متریا ل آماده بکند، بازی‌سازی کند، فکر بکند، و بعد از آن بیاید سر کلاس و با بچه‌ها کلنجار برود، نمی‌تواند مؤثر واقع بشود، اگر خودش کار نکرده باشه فعالیت نکرده باشه، در کنارش آن الگوی غیررسمی، متأسفانه در مدارس ما این الگوی رسمی و آن طبق کتاب پیشرفته‌اند، تا اینجا جلو رفتن و امتحان گرفتن، این الگوها در واقع ارجحیت دارد. در صورتی که ممکن است شما یک مبحث را تا آخر سال بیشتر رویش متوقف نشوید در بحث سواد رسانه‌ای، یعنی گنجایش و کشش دانش‌آموز، این‌طور نباشد شما درس را کامل جلو ببرید. منتهی روی مبحث ممکن است ماه‌ها درگیر باشید بحث مثلاً نحوه استفاده. اینکه بدانند هشتمک گذاشتن در اینستاگرام چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟ اینکه بدانند در کنار اینکه تلویزیونی ببینند بروند کتابخوانی هم بکنند. ما نباید اینجوری ببینیم که الزاماً باید یک متدی باشد، متد مشخص و دایرکت، بگوییم از الف شروع بکن برس به نون پایان. به هیچ وجه سواد رسانه‌ای نیست».

#### ۴. راهبردها

راهبرد عبارت است از تمامی اقدامات خرد و کلان که در جهت شکل‌گیری موضوع یا پدیده مورد بررسی انجام می‌گیرد. دسترسی به رسانه‌ها، تدوین محتوای مناسب، توسعه قابلیت‌های معلمان، توسعه حرفه‌ای معلمان، به کارگیری روش‌های تدریس مناسب و گسترش ارتباطات مجازی از مهم‌ترین مقوله‌های مربوط به راهبردهای برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی هستند. در ادامه برخی از مهم‌ترین این مقوله‌ها را با دیدگاه‌های مصاحبه‌شونده‌ها و صاحب‌نظران تبیین می‌شود و نمونه‌هایی از این دیدگاه‌ها ارائه می‌شود.

## ۴-۱. دسترسی به رسانه‌ها

با اینکه معلمان همانند برنامه‌های درسی دیگر، در این نوع یادگیری نیز نقش اصلی را بر عهده دارند، اما صاحب‌نظران و مصاحبه‌شونده‌ها علاوه بر معلم، تأکید دارند که کودکان و فراگیران باید به انواع رسانه‌ها دسترسی داشته باشند مصاحبه‌شونده ۹ این مسأله را این چنین بررسی می‌کند: «در کنار معلم استفاده از فیلم‌های آموزشی، اپلیکیشن‌ها هست، نرم‌افزارهایی که مورد استفاده قرار می‌گیرد در آموزش دروس خیلی خوب است و سایت‌های معتبری که می‌تواند دانش‌آموزان را هدایت بکند که منابع مورد استفاده‌شان را خیلی راحت‌تر، مستقیم، بدون ورود خطرهایی که در فضای رسانه‌ای است، استفاده بکند».

مصاحبه‌شونده ۶ به رسانه آموزشی و کتاب درسی اشاره می‌کند و نقش رسانه را به‌عنوان یک عامل راهبردی بررسی می‌کند. این صاحب‌نظر به مدرسه هوشمند می‌پردازد و یکی از راحت‌ترین راه‌کارها را برای دسترسی به رسانه‌های تأثیرگذار در این زمینه، مدرسه هوشمند می‌داند. وی در این زمینه می‌گوید: «ما یک فرق اساسی که با کشورهای دیگر داریم، در کشورهای دیگر می‌گویند اصلاً مدرسه هوشمند مفهوم ندارد. این بچه باید اتفاقاً با گج روی تخته بنویسد و اینکه شما افتخار بکنید که ما مدرسه هوشمند داریم، ناخودآگاه بچه را به سمت یک گونه‌ای از استفاده رسانه‌ای دارید سوق می‌دهید و اینکه شاید خیلی از کشورها قوانین‌شان مثلاً فرزندان، کودکان زیر ۱۳ سال اگر وسیله هوشمند داشته باشند، یعنی اصطلاح هوشمند، مثلاً قوانینی و مقررات برای برخورد با خانواده وجود دارد. مثلاً در آمریکا می‌تواند حاکمیت حضانت فرزند از خانواده را هم بگیرد. حالا وقتی ما می‌آییم جلوتر از مدعیان همه این‌ها حرکت می‌کنیم و می‌شود افتخارمان، مدارس هوشمند، کلاس‌های هوشمند و ... این خودش یک ایراد هست در کار».

## ۴-۲. توسعه قابلیت‌های معلمان

معلمان باید برای موفقیت برنامه درسی سواد رسانه‌ای در کلاس درس، مهارت‌های لازم را کسب کنند. به عبارتی آن‌ها باید توانایی به کارگیری ابزارهای چندرسانه‌ای را داشته باشند. یکی از صاحب‌نظران (شماره ۳) در این زمینه چنین اظهار می‌کند: «به نظرم به هر حال باید چندرسانه‌ای باشند. یعنی از ابعاد مختلف استفاده بکنند. اساساً در برنامه درسی و علوم تربیتی، معلم باید بداند از چه چیزی، کجا استفاده بکند؟ یعنی نوع روشش، یعنی در کجا از چه روشی استفاده بکند؟ در کجا از کدام ابزارش استفاده بکند؟ این‌ها مهم‌ترین کاری است که معلم انجام می‌دهد. آقا! این ابزار، این روش خوب است، من می‌گویم نه! هر روشی در جای خودش است، به شرطی در جای خودش استفاده بکند، من معلم می‌دانم چگونه و در چه شرایطی استفاده بکنم لذا معلم می‌تواند چندرسانه‌ای استفاده بکند، بستگی به بستر و هدف دارد. گاهی ممکن است اطلاعاتی است که می‌خواهد ارائه بدهد با یک سخنرانی، باید ارائه بدهد. منتهی بهترین شیوه برای این بحث، شیوه نمایشی و بازی، بیشترین در ابتدایی جواب می‌دهد. یعنی هر چقدر معلم بتواند از حس بیداری و حس بینایی دانش‌آموزان استفاده بکند و از طریق فیلم، تصویر، بازی، نمایش، و.. از این‌ها استفاده بکند، قطعاً خیلی می‌تواند مؤثر در یادگیری دانش‌آموز باشد».

صاحب‌نظر ۱۲ بر توسعه قابلیت‌های معلمان از طریق آموزش و شرکت در دوره‌های مربوط تأکید می‌کند و معتقد است: «باید اولاً باید توجیه شوند، پیش‌زمینه ذهنی پیدا بکنند نسبت به ضرورت اجرای برنامه. پس از اینکه توجیه شدن و دیدگاه ادراکی‌شان شکل گرفت، حالا باید آموزش‌های لازم به خود معلم داده شود، نحوه کارش را بداند، و اینکه کاری را باید چطور انجام بدهد و بعد از آن که به مرحله اجرا می‌رسد باید نظارت و پایش داشته باشند. از عملکرد مدارس، واقعاً نقاط قوت تقویت بشود، تشویق بشود، نقاط ضعفی که هست، و تعاملی که در مدارس و بین مدارس صورت می‌گیرد از بین برود و در پایان نتایج کار را به‌صورت عملی به نمایش بگذارند».

## ۴-۳. به کارگیری روش‌های تدریس مناسب

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مربوط به راهبرد در برنامه درسی سواد رسانه‌ای، به کارگیری روش‌های تدریس

مناسب و فعال در کلاس‌های درس است. صاحب‌نظران این عنصر را عامل مهمی در توسعه سواد رسانه‌ای می‌دانند. مصاحبه‌شونده ۶ در مورد روش‌های تدریس و نقش آن، می‌گوید: «به نظرم یک اعتقادی قطعاً از جنس عملی باید نسبت به تدریس و شیوه‌های آن باشد. از جنس روش‌ها و راهبردهایی یادگیری فعال باید باشد. یعنی محیط، محیط در واقع شرایط فراهم باشد. به لحاظ زیرساخت، به لحاظ رسانه‌ها و به لحاظ مسائلی که وجود دارد، امکانات. تجهیزاتی که برای انسان‌ها هست، باید باشد. الان یک کتابی تحت عنوان سواد رسانه‌ای وجود دارد. ولی به هر حال این سواد رسانه‌ای بیشتر بحث نظری است، نه عملی و کاربردی». ۴-۴. گسترش ارتباطات مجازی

بسیاری از صاحب‌نظران و مصاحبه‌شونده‌ها، دوری از فضای مجازی و رسانه‌ها را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. لذا بر یادگیری و آموزش افراد حتی در سنین پایین تأکید می‌کنند. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها (شماره ۱) در این زمینه می‌گوید: «ببینید ما چه خواهیم و چه نخواهیم دیگر در زندگی‌های ما حضور دارد. چه ما خواهیم، چه والدین بخواهند، چه آموزش و پرورش بخواهد، چه خانواده بخواهد آن بچه‌ها دسترسی دارند». مصاحبه‌شونده ۸، آموزش، یادگیری و توسعه افراد در مهارت‌های مربوط به رسانه را مورد تأکید قرار می‌دهد و می‌گوید: «منع کردن، راه تربیتیش نیست. ما باید روش برخورد و حضور در آن صحنه‌ها را به‌شان یاد بدهیم. ما باید کار پیشگیرانه انجام بدهیم نه اینکه کارهایی را انجام بدهیم که بعد مثلاً اتفاق می‌افتد و حالا چکار کنیم؟».

#### ۵. پیامدها

برخی از متغیرها و مؤلفه‌ها نشان‌دهنده نتایجی هستند که در نتیجه پدیده و اتخاذ راهبردهای مربوط به این پدیده شکل می‌گیرند. نتایج و پیامدهای مربوط به برنامه درسی سواد رسانه‌ای را براساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران و مصاحبه‌شوندگان می‌توان در دو مؤلفه اساسی یعنی پیامدهای فردی و اجتماعی نشان داد.

#### ۱-۵. پیامدهای فردی

مصاحبه‌شونده ۱۲، تقویت روحیه انتقادی را مهم‌ترین پیامد برنامه درسی سواد رسانه‌ای معرفی می‌کند و در این زمینه می‌گوید: «مهم‌ترین هدفی که می‌تواند دنبال کند رشد تفکر انتقادی هست. یعنی اگر ما سواد را امروزه در معنای گسترده‌ترش قائل بشویم. خیلی از صاحب‌نظران معتقدند که ما حدود ۳۴ نوع سواد داریم. در این ۳۴ نوع سواد تعریف عامی که از سواد می‌کنند، می‌گویند توانایی کدگذاری و کدخوانی پیام‌هاست. بنابراین سواد رسانه‌ای می‌شود گفت که تعریفش توانایی کدگذاری و کدخوانی پیام‌های رسانه‌ای است».

صاحب‌نظر ۸ نیز بر این مؤلفه تأکید می‌کند و معتقد است: «هدفی را که اینجا می‌تواند دنبال کند، رشد این تفکر انتقادی است با توجه به ضرورت این نوع سواد، و محتوایی که می‌تواند تمام بکند در این زمینه، یک محتوایی برگرفته از کلیه منابع آموزشی. امروز ما در حوزه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی فاوا، دیگر نمی‌توانیم تعریف محدودی از آن محتوا داشته باشیم. بلکه می‌گوییم محتوا، کلیه منابعی است که می‌تواند اطلاعات، حقایق، مفاهیم و چارچوب‌های اصلی و تشکیل‌دهنده‌ی معرفتی را در اختیار دانش‌آموز قرار بدهد».

هم‌چنین مصاحبه‌شونده ۱ پیامد فردی یادگیری سواد رسانه‌ای را چنین بیان می‌کند: «تفکر از طریق مباحثه، تفکر از طریق مشارکت‌ها و طرح سوالات و پرسش‌هایی برای جستجو. پژوهش‌های گروهی و خارج از نقد. آشکار کردن دانش‌آموزان با شیوه‌های نقد، و انواع نقدهای مختلف. اگرچه در این دوره دانش‌آموز خودبخود با توجه به رشد تفکر انتزاعی به سمت تفکر انتقادی پیش می‌رود اما جهت دادن به تفکر انتقادی به‌گونه‌ای که بتواند براساس رویدادهایی یک اندیشه صحیح را بشناسد، یا بتواند براساس آن، اندیشه صحیح را شناسایی بکند. و لذا در یک ترکیب گسترده که معلم از مجموعه روش‌هایی که تفکر را تحریک می‌کند، می‌تواند در این زمینه استفاده کند».

علاوه بر این، قرار گرفتن فراگیر در موقعیت‌های متضاد، به رشد و تقویت تفکر انتقادی وی منجر می‌شود. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان (شماره ۲) این مسأله را مطرح می‌کند و می‌گوید: «اینکه این‌ها باید همدل باشند. یکی از آفت‌ها و آسیب‌هایی که به تفکر انتقاد وارد می‌شود، دیدگاه و نگاه‌های متضادی که از طرف منابع مورد اطمینان و یا منابعی که در ارتباط با دانش‌آموز است، بهش می‌رسد. تضاد بین منابع اطلاعاتی، دانش‌آموز را در تفکر باز می‌کند. چرا که او را نسبت به روشش بدبین می‌کند، یا باعث می‌شود نسبت به موضوع یا موضعی مغرضانه. ما در تفکر انتقادی می‌گوییم که غرض‌ورزی قاتل و از بین برنده تفکر انتقادی است.»

وی هم‌چنین بر اثرات تفکر انتقادی تأکید می‌کند و معتقد است: «تقویت تفکر انتقادی، یکی از کمترین اثراتش این است که بچه‌ها را متعادل‌تر می‌کند و از آن تعصباتی که خیلی پافشاری رویش می‌کنند، یاد می‌گیرند که می‌توانند کمی عقب بنشینند.»

## ۲-۵. پیامدهای اجتماعی

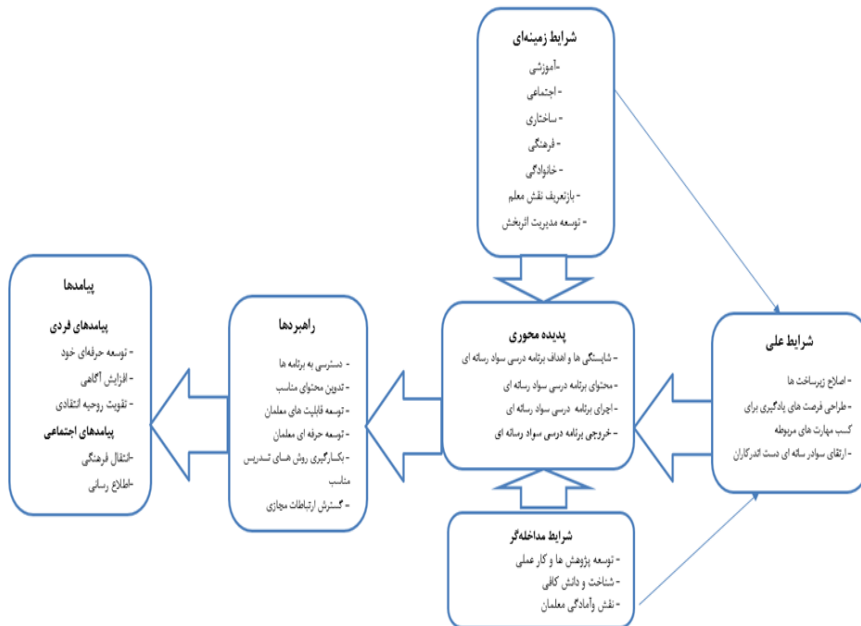
براساس نتایج حاصل از کدگذاری مصاحبه‌های صاحب‌نظران مهم‌ترین پیامد برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی شامل مؤلفه‌های زیر است: صیانت از ارزش‌ها، بازنمایی فرهنگ جامعه، دسترسی سریع به اطلاعات، انتقال فرهنگ، ارتقا آگاهی جامعه، شفافیت در کسب اطلاعات.

براساس دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان، انتقال فرهنگ جامعه از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی برنامه درسی سواد رسانه‌ای است. اجرای کامل این نوع برنامه درسی، باعث اصالت و انتقال فرهنگ جامعه می‌شود. مصاحبه‌شونده ۱۱ در این زمینه می‌گوید: «این نوع یادگیری در مدارس و به‌ویژه در دوره ابتدایی، زمینه کافی را برای آشنایی با فرهنگ غالب جامعه فراهم می‌کند. از طرفی، باعث انتقال این فرهنگ از نسلی به نسل‌های دیگر می‌شود.»

علاوه بر آن، اجرای این برنامه‌های درسی باعث می‌شود سطح آگاهی در جامعه و در بین افراد آن ارتقا یابد. مصاحبه‌شونده ۱۰ در این زمینه می‌گوید: «گسترش سواد رسانه‌ای در سطح جامعه، باعث می‌شود تبادل اطلاعات در جامعه تسهیل شود. افراد بتوانند به راحتی داشته‌ها و دانش خود را در اختیار دیگران قرار دهند و با یکدیگر به اشتراک بگذارند.»

هم‌چنین از دیگر پیامدهای اجتماعی گسترش سواد رسانه‌ای، دسترسی سریع به اطلاعات است. صاحب‌نظر شماره ۳ در این زمینه معتقد است: «گسترش ابزارها و رسانه‌های جدید در مدارس و در بین افراد جامعه در نهایت منجر به دسترسی سریع به اطلاعات می‌شود. با گسترش سواد رسانه‌ای و ارتقای مهارت‌های آن‌ها، به راحتی به اطلاعات جامعه دسترسی پیدا می‌کنند.»

الگوی مورد نظر برای برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی براساس مدل پارادایم در شکل زیر ارائه شده است:



شکل ۱. مدل پارادایمی برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، ارائه الگوی برنامه درسی سواد رسانه‌ای برای دوره ابتدایی است. در واقع پدیده اصلی در پژوهش حاضر، برنامه درسی سواد رسانه‌ای برای دوره ابتدایی است. دوره ابتدایی از آنجا که نقطه شروعی برای یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی به‌شمار می‌رود در این حوزه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با ورود سواد رسانه‌ای به مدارس ابتدایی، آموزش، چهره‌ای عملی‌تر، خلاق، کلامی و عملی و عینی‌تری پیدا می‌کند. آموزش مهارت‌های رسانه‌ای به دنبالش شادابی و فرهنگ خاصی در روند کلی آموزش است که مدرسه را برای دانش‌آموزان تبدیل به محیطی جذاب و با انگیزه می‌کند. تحول اساسی در مهارت‌های فراگیران، شکوفا شدن استعداد و قدرت خارق‌العاده مخاطبین نتیجه حضور سواد رسانه‌ای در مدارس است (فانک<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۱۰). از طرفی، گسترش پیشرفت‌های تکنولوژی باعث افزایش تأثیرات منفی فناوری‌ها نیز شده است. آموزش سواد رسانه‌ای از راه رسانه‌ها مورد توجه بسیاری از نهادهای بین‌المللی، دولت‌ها و نهادهای مردمی فعال در حوزه آموزش سواد رسانه‌ای قرار گرفته است. مارشال مک لوهان<sup>۲</sup> و نیل پستمن<sup>۳</sup> عقیده دارند که آموزش سواد رسانه‌ای ضروری‌ترین راه برای مواجهه با تأثیرات منفی تکنولوژی است (کوشین<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵).

با این توضیحات و براساس نتایج این پژوهش، عناصر مربوط به برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی را می‌توان در چهار مورد بیان کرد که عبارت‌اند از: شایستگی‌ها و اهداف برنامه درسی سواد رسانه‌ای، محتوای برنامه درسی سواد رسانه‌ای، اجرای برنامه درسی سواد رسانه‌ای و خروجی برنامه درسی

1. Funk

2. Marshall McLuhan

3. Neil Postman

4. Kushis

سواد رسانه‌ای توجه به نیاز امروزی افراد جامعه به سواد رسانه‌ای، برنامه درسی سواد رسانه‌ای از دیدگاه صاحب‌نظران و حتی اسناد بالادستی از قبیل سند تحول بنیادین، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌رود. بر این اساس، الگوی برای برنامه درسی سواد رسانه‌ای تدوین و ارائه می‌شود که «اصلاحات اساسی زیرساخت‌ها»، «طراحی فرصت‌های یادگیری برای کسب مهارت‌های مربوط»، «ارتقای سواد رسانه‌ای در دست‌اندرکاران» و «گسترش ارتباطات برون‌سازمانی» از مهم‌ترین شرایط علی برای تدوین و اجرایی کردن این برنامه درسی هستند. علاوه بر موجبات علی، عوامل اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی، ساختاری، آموزشی، بازتعریف نقش معلم، توسعه مدیریت اثربخش به‌عنوان مهم‌ترین عوامل زمینه‌ای و «پژوهش و کار عملی، شناخت و دانش و نقش و آمادگی معلمان» به‌عنوان عوامل مداخله‌گر (محیطی) بر شکل‌گیری و اجرای این الگوی برنامه درسی سواد رسانه‌ای تأثیر دارند. علاوه بر این، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت با اتخاذ راهبردهای مناسب از قبیل دسترسی به رسانه‌ها، تدوین محتوای مناسب، توسعه قابلیت‌های معلمان، توسعه حرفه‌ای معلمان، به‌کارگیری روش‌های تدریس مناسب و گسترش ارتباطات مجازی، می‌توانند به موفقیت این برنامه درسی کمک کنند و در ظهور پیامدهای مثبت آن تأثیرگذار باشند. اتخاذ این راهبردها در الگوی برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی منجر به پیامدهایی از قبیل پیامدهای فردی و اجتماعی می‌شود. در مجموع آنچه که می‌توان از یافته‌های این پژوهش استنباط کرد این است که با در نظر گرفتن شرایط و عصر کنونی مبنی بر توجه به سواد رسانه‌ای، سیاست‌گذاران نظام آموزشی باید زمینه لازم برای اصلاحات و توسعه زیرساخت‌ها فراهم کنند، طراحان و برنامه‌ریزان برنامه‌های درسی زمینه لازم برای توسعه معلمان را فراهم کنند، علاوه بر آن، توجه به محتوای آموزشی متناسب با این برنامه درسی در اولویت قرار گیرد. هم‌چنین به‌کارگیری رویکرد تلفیقی جهت اجرای برنامه درسی سواد رسانه‌ای و آموزش محتوای مربوط به این برنامه درسی از جمله مواردی است که می‌توان با استفاده از دیدگاه‌های صاحب‌نظران این پژوهش تبیین کرد تا مهم‌ترین اهداف این برنامه درسی از قبیل توسعه مهارت‌ها و سواد رسانه‌ای و کمک به پرورش و تقویت تفکر انتقادی حاصل شود. در نتیجه می‌توان از افراد جامعه انتظار داشت مهارت‌های لازم برای برقراری روابط مجازی کسب کنند و این مهارت‌ها را برای توسعه مهارت‌های شغلی به کار گیرند ضمن اینکه به پیامدهای منفی فعالیت در فضای مجازی و کار با رسانه‌ها نیز توجه کرده و از بروز مشکلات جدی در این حوزه پیشگیری کنند.

به‌طور کلی صاحب‌نظران بر استفاده زیاد دانش‌آموزان از رسانه‌ها، مهم شدن ارتباطات مجازی تأکید دارند. درواقع با دسترسی و استفاده زیاد دانش‌آموزان از رسانه‌ها، ورود آموزش سواد رسانه‌ای به مدارس کشور ضرورت بیشتری می‌یابد. علاوه بر این در محتوای آموزشی از تحلیل گفتمان، توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای رسانه‌های نوین، سواد بصری و پرسشگری و تقویت قدرت استدلال و تفکر انتقادی در کنار پرداختن به ویژگی‌های انواع رسانه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از طرفی، درعصر امروزی شرایط آموزش به‌گونه‌ای است که افراد باید در فرایند یادگیری نقش ایفا کنند و از عوامل مداخله‌گر در فرایند یادگیری و آموزش آگاهی داشته باشند لذا این برنامه درسی زمینه لازم برای مشارکت بیشتر فراگیران را در فرایند یادگیری فراهم می‌کند (آلورنمن، ۲۰۱۶) که برخی از مؤلفه‌های شناسایی شده در این پژوهش نیز با این دیدگاه همسو است. در این بین نکته قابل تأمل تصویری از نگاه بومی به آموزش سواد رسانه‌ای که با اصول و تعاریف یونسکو (۲۰۱۱) در تطابق و قابل تأمل است. علاوه بر آن، یونسکو در آموزش سواد رسانه‌ای بر چهار مؤلفه مهم شامل تولید، بازنمایی، زبان رسانه‌ای و مخاطب رسانه از عوامل سازنده آموزش سواد رسانه‌ای تأکید کرده است که مقایسه آن با مؤلفه‌های حاصل از پژوهش حاضر تا حدودی این مؤلفه‌ها را نیز نشان می‌دهد و جز عوامل اصلی الگوی برنامه درسی سواد رسانه در دوره ابتدایی به‌شمار می‌روند. لذا با توجه به نتایج این پژوهش و ارائه الگوی برای سواد رسانه‌ای، لزوم اجرایی کردن آن بیش از پیش نمایان



می‌شود طوری که در بسیاری از کشورهای صنعتی توجه به این برنامه درسی در اولویت قرار گرفته است از جمله در ژاپن سواد رسانه‌ای در حکم یک ماده درسی در میان مواد درسی دوره‌های تحصیلی راهنمایی تا مقطع دیپلم به رسمیت شناخته شده و حتی برای بزرگسالان و مقاطع تحصیلی بالاتر نیز تدریس می‌شود و کشورکانادا نیز به‌عنوان یکی از موفق‌ترین الگوهای آموزش سواد رسانه‌ای در جهان باتشکیل «انجمن آگاهی رسانه‌ای» انجمن‌های متعدد و فراوان آموزش سواد رسانه‌ای، اقدامات مؤثری در این زمینه انجام داده است (کاستا و همکاران، ۲۰۱۸، ص.۶۰).

#### منابع

- Afacan, O., & Ozbek, N. (2019). Investigation of Social Media Addiction of High School Students. *International Journal of Educational Methodology*, 5(2): 235-245.
- Alice, Y.L. (2016). Bringing Media Literacy Education into the School Curriculum: A Trilevel Adoption of Innovation Model. *Media Literacy Education in china* 45-31.
- Alvertmann, D.E. (2016). Middle and high school students' perceptions of how they experience text-based discussions: A multicase study. *Reading Re-search Quarterly*, 31(3): 244-267.
- Basic Education Delivery Document* (2018). Tehran: Ministry of Education.
- Broeckeman-pošt, M. (2015). A Multi-Dimensional Approach to Measuring News Media Literacy. *Journal of Media Literacy Education*. 5(11): 53-41.
- Bruce, S. (2011). *Severe and multiple disabilities*. In J. Kauffman & D. Hallahan (Eds Handbook of Special Education . New York: Routledge).
- Buckingham, D. (2009). *Media Education, Learning, Media Literacy and Contemporary Culture*. Translated by Hossein Sarafraz, Tehran: Imam Sadegh University Press.
- Davies, J. (1966). *Educating Students in a Media Saturated Culture*. Lancaster.PA: Technomic Publishing.
- Charmaz, K. (2010). *Constructing Grounded Theory*. London, SAGE publication Ltd.
- Chen, D., Wu, J., & Wang, Y. (2011). Unpacking New Media Literacy. *Sociology Journal on Systemics, Cybernetics and Informatics*, 8(9):25-39 .
- Connelly & Lantz (1991). "Introduction: definitions of Curriculum". In Arie Lew y (ED). *The International Encyclopedia of Curriculum*. Pp: 15-18.
- Connelly And Lantz (1991). *Introduction: definitions of Curriculum*. In Arie Lew y (ED). *The international Encyclopedia of Curriculum*. Pp: 15-18.
- Davies, A., Fidler, D., & Gorbis, M. (2011). *Future world skills 2020*. Palo Alto, CA: Institute for the Future for Apollo Research Institute. Retrieved on 12 September 2012 from [http://apolloresearchinstitute.com/sites/default/files/future\\_work\\_skills\\_2020\\_full\\_research\\_report\\_final\\_1.pdf](http://apolloresearchinstitute.com/sites/default/files/future_work_skills_2020_full_research_report_final_1.pdf).
- Delavar, A.; Khaniki, H., & Shah Hosseini, V. (2015). Case study of media literacy lesson plan for fourth grade students. *Society, Culture and Media*, No. 4: 26-34.
- Diergarten, A., Katharina, Mockel, Th., Nieding, G., & Ohler, P. (2017). The impact of media literacy on childrens learning from films and hypermedia. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 48:33-41.
- Fathi Vajargah, K. (2009). *Principles and Basic Concepts of Curriculum Planning*. Tehran: Ball Press.
- Fathi Vajargah, K. (2010). Application of Icts in teaching and learning at University level: The case of Shahid Beheshti University. *ToJET: The Turkish Online Journal of Education Technology*, Volom 9(2): 10-16.
- Fathi vajargah, K. (2016). *Basic principles and concepts of curriculum planning*. Tehran,

Alam Ostadan Publications.

- Ferrell, K.A., Bruce, S., & Luckner, J.L. (2014). *Evidence-based practices for students -sensory impairments (Document No. IC-4)*. Retrieved from University of Florida, Collaboration for Effective Educator, Development, Accountability, and Reform Center website: <http://cedar.education.ufl.edu/tools/innovation-configurations>.
- Funk, S., Kellner, D., Share, J. (2016). *Critical media literacy as transformative pedagogy*. Handbook of research on media literacy in the digital age. (3-32).
- Hale, T. (2017). *How Much Data Does The World Generate Every Minute*.
- Hobbs, R. (2012). *Digital and media literacy: A plan of action*. Washington, DC: The Aspen Institute. Retrieved on 2 December 2011 from [http://www.knightcomm.org/wpcontent/uploads/2010/12/Digital\\_and\\_Media\\_Literacy\\_A\\_Plan\\_of\\_Action.pdf](http://www.knightcomm.org/wpcontent/uploads/2010/12/Digital_and_Media_Literacy_A_Plan_of_Action.pdf).
- Ivanović, M. (2014). Development of media literacy—an important aspect of modern education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 149,: 438-442.
- Jolls, T. (2017). The New Curricula: How Media Literacy Education Transforms Teaching and Learning. The National Association for Media Literacy Education, *Journal of Media Literac Education*, 7(1): 65-71.
- Kearney, M., Levine, P.B. (2020). Role Models, Mentors, and Media Influences. *The Future of Children*, 30(1): 83-106.
- Kushin, A. (2015). University of Toroto. *The media literacy movement s debt to marshall*.
- Livingston, S. (2011). *Media Literacy: Ambitions*. Policies and Measures. London.
- McNeil, J.D. (2006). *Contemporary Curriculum in Thought and Action*. Sixth Edition.
- Ojagh, S. Z. (2018). Media Literacy Education for Children: *Introducing Indices of Media Literacy Education Materials in Primary School*. *Cultural Studies and Communication*, 4(53): 80-96.
- Pritchard, A. (2007). *Effective teaching with Internet technologies*. Ismail Zarei Zavaraki and Hossein Dehghanzadeh, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Ramzey , E. M. (2017). The Basic Course in Communication,Media Literacy,and the College Curriculum.*The National Association for Media Literacy Education Journal of Media Literacy Education*. 9(1): 116-128.
- Serafin, M. (2011). Media Mindfulness: Developing the Ability and Motivation to Process Advertisements, ProQuest, UMI Dissertation Publishing from: <http://www.amazon.com/Media-mindfulness-Developing-motivation-advertisements/dp/1243529814>.
- Shahrabi Farahani, M. (2020). Identifying the Educational Guidance Model of School Management (Case Study: The First Elementary School in Tehran). *Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 13(2): 224-239.
- Sharifi, S.M., & Karami Namivandi, S. (2018). A study of the dimensions of media and information literacy education in the formal and public education system of the country. *Two Scientific-Research Quarterly of Religion and Communication*, No. 54: 111-140.
- Shobbiri, H.S. (2013). Media Literacy Training in Cyberspace, Comparison of Media Stars Canada Website and Iran Media Literacy Website.
- Shokr khah, Y. (2006). Media Literacy of an Idea Article. Tehran. *Media Quarterly*, 17(4).
- Stanage, N. (2017). The Memo: Trump’s NYT interview sets 2018 stage- The Hill. 30.12.2017. [Electronic resource]. URL: [thehill.com/homenews/campaign](http://thehill.com/homenews/campaign).
- Wilson, C. (2012). *Media and Information Literacy, The promise of educational change*. Unesco, Statement for the United Nations Literacy Decade (2003-2011).
- Yau, H.K., & Cheng, L.F., (2013). Quality Management in Primary Schools. *International Education Research*, 1(4): 16-31.